

پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای باید به
یک نهاد مورد اعتماد مردم سپرده شود

همزمان با ورود به صحنه انتخابات
هاشمی رفسنجانی در برابر قضاوت سخت
و بی سابقه افکار عمومی قرار گرفت

مرا دوست ندارند. وی مثل همیشه خود را بر فراز جنابهای دانشجویان به نحوی بی سابقه سیاسی کشور نشاند و اعلام کرد به عنوان کاندیدای مستقل در اعلام داشتند، وی در فرمانداری تهران حضور یافت و برای انتخابات مجلس ششم ثبت نام کرد. به این ترتیب به یک بازی خسته کننده و ناز و کرشمهای چند ماهه پایان داده شد.

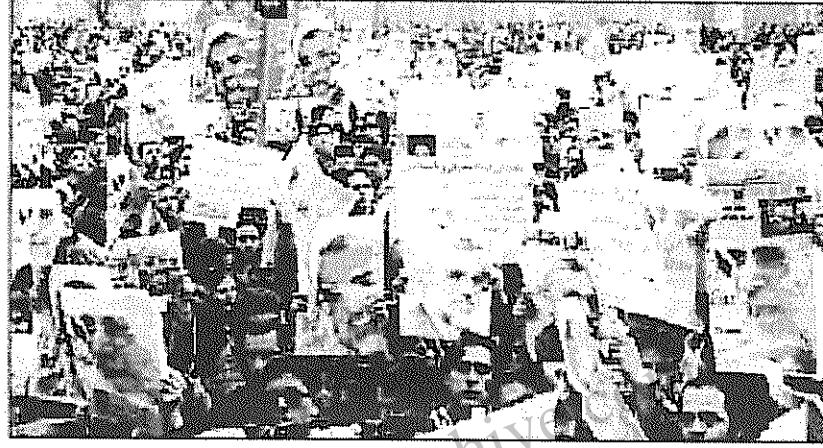
رفسنجانی که تحت محافظت بسیار شدیدی به فرمانداری تهران آمد بود، پیرامون علت شرکت خود در انتخابات گفت: آنچه که مرا در این تصمیم قانع کرد این بود که دشمنان اتفاق کردند. وی این حال معلوم بود که او این انتخابات نفر چند خواهد شد، گفته: برداشت از افکار عمومی ندارم، برای اداء تکلیف امدادهای ایجاد «خدمات» دوران ریاست جمهوری خود را به نیروهای «چپ» پاداور شود تا از شدت مخالفت آنان با خود پکاره. رفسنجانی گفت: تاریخ زندگیم در سال‌های اخیر نشان که من در این انتخابات نباشم. رفسنجانی در حالیکه آشکارا مخالفین خویش را مورد نظر داشت از خود: آنچه که آخرین بار در تصمیم‌گیری من موثر بود. شیوه‌نامه اولی بود که دیدم، کسانی هستند که دوست انقلاب نیستند. من نمی‌توانم بگویم که همه با من موافق‌اند. وزیر کشور من داشتم، از همه گرایش‌ها در آن حضور داشتم. وزیر کشور من ادامه در صفحه ۴

دها تن از نویسنده‌گان کشور در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه:
آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای و همکاران رسانه‌ای آنان را در دادگاه علنی محاکمه کنند!

در صفحه ۲

دانشجویان در اعتراض به انحراف پرونده قتل‌های زنجیره‌ای:

پرونده قتل‌ها در حال انحراف است، آمرین خبیث‌اش در معرض نجاتند!



هزاران دانشجو علیه سیاست دفع الوقت در رسیدگی به پرونده قتل روشنکران حمله به کوی دانشگاه تهران و محاکمه و بازداشت آزادیخواهان اعتراض کردند

تظاهرات دانشجویی ۱۶ آذر با مانع نیروهای انتظامی از پرونده دانشجویان به داشگاه تهران و موانع فراوانی تهران، به تظاهرات دانشجویان روبرو بودند و عملانی آنان را در محیط داشگاه‌ها محدود ساند و گروههای وسیعی از دانشجویان کردند و اجازه ندادند که دانشجویان اجتماع سراسری خود سایر داشگاهها در پشت درهای پرسپارن داشتند و در اجتماع دانشگاه تهران بنا به توافقنامه ایجاد شدند. این مارس ۱۶ آذر شرکت کردند. این مارس دانشگاه شرکت داشتند. بنا بر تحت عنوان «نفی حق کشی و دفاع از رواییون و دانشجویان»

برگزار گردید. دانشجویان امسال

برای گرامیداشت مراسم ۱۶ آذر

با دشواری‌ها و موانع فراوانی

دانشگاه تهران محدود ساند و

گروههای وسیعی از دانشجویان

سایر داشگاهها در پشت درهای

را برپا دارند.

در اجتماع دانشگاه تهران بنا

به توافقنامه ایجاد شدند. این مارس ۱۶ آذر شرکت کردند. این مارس

هزار نفر از دانشجویان این

دانشگاه شرکت داشتند. بنا بر

ادامه در صفحه ۲

شورای نگهبان
(قلب) برنامه سوم توسعه را
مخالف با قانون اساسی اعلام کرد

روزنامه آزاد: در قانون اساسی بازنگری کنید!

عصر ما: دفاع از قانون اساسی یعنی دفاع از تمامیت آن

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنایع بزرگ و کلیدی را دارد. به دنبال اعلام نظر شورای نگهبان، روزنامه آزاد که از نظر اقتصادی مدافعی «اقتصاد آزاد» است، در سرمقاله‌ای خواهان بازیگری در اصل ۴۴ قانون اساسی و حکم اعلیٰ اعلام کرد. صنایع بزرگ و کلیدی اعلام کرد. به گفته سخنگوی این شورای نگهبان، روزنامه آزاد این شورای نیز هر یخشایی فوق با اصل ۴۴ قانون اساسی مطابقت ندارد. آیت‌الله رضا استادی به خبرنگاران گفت: بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه سه بخش دولتی تعاضونی و خصوصی استوار می‌داند، بخش صنایع مادر و بزرگ، بازرگانی خارجی و معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها، شبکه‌های بزرگ ابرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف، هواپیمایی، کشتاری، راه و راه آهن و مانند آن در اختیار دولت است و در تعداد زیادی از مواد آن اینکه یک ضرورت ترعیت نشده است.

دفاع از تمامیت قانون اساسی روزنامه عصر ما ارگان سازمان مجاهدین انصابی اسلامی، در مخالفت با این پیشنهاد، در سرمقاله‌ای خرین شماره خود نوشت: دفاع از قانون اساسی، دفاع از تمامیت ایران در اندیشه هزاره سوم میلادی، بازنگری جامع در قانون اساسی و از جمله اصل ۴۴ آن اینکه یک ضرورت ترعیت نشده است. قانون اساسی را بازنگری کنید!

هر چند برنامه سوم توسعه در هیاهوی مربوط به انتخابات مجلس ششم، توجه انسکی را برانگشت، اما کشاکش مهم و تغییر کننده‌ای پیرامون آن در جریان است و بخش طرفدار «اقتصاد بازاری» جهیه دوم خرداد، مصراحت تقاضای لغو مواد قانون اساسی در زمینه محدودیت

وزارت کشور
مانع برپایی گردهمایی اعتراضی کارگران شد

سرمقاله

رسانه‌ای را تنها بگذارید!

خیز هاشمی رفسنجانی برای کسب ریاست مجلس شورای اسلامی، به مهمنتین واقعه روزهای اخیر و موضوع کشاکش سیاسی در جامعه تبدیل شد. نخست باید از دانشجویان شجاع و آگاهی قدردانی کرد که با موضع قاطع و افشارگرانه خود، باعث شدن مقاومت شدیدی در برابر این نیت شکل بگیرد و هاشمی رفسنجانی در خستین روزهای علنی کردند که تصور نمی‌کردند، بدون حمایت بماند.

خوبخیخته امروز دستکم در بخش‌های آغاز و تأثیرگذار جامعه، آن قدر شناخت از رفسنجانی وجود دارد که علیرغم شماره‌ای عوام‌گیریانه او در جهت «سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی» و «رفع مغلب بیکاری»، اهداف واقعی او را از ایجاد شرکت به خط اول صحنه سیاست، بشناسند. اما هنوز تا زمانی که او و تفکری که دنبال می‌کند، در جامعه ما به اندازه کافی تنها و متنزه شود، ساید کار زیادی صورت گیرد.

رسانه‌ای رفاهی بنهان نمی‌کند که برای «ایجاد تعادل» وارد صحنه انتخابات شده است. اما آن چه او ایجاد تعادل می‌نماید، در واقع جلوگیری از حذف نیروهای ضد آزادی و تلاش آشکار برای حفظ موقعیت متزلزل آنان در مجلس و در کل حکومت است. او به هدف سد کردن راه اصلاحات سیاسی در ایران می‌خواهد به خط مقدم سیاست بازگردد. این واقعیت که بزرگ‌ترین حساین و مشوقین رفسنجانی برای ورود به مجلس ششم جناح محافظه‌کار حکومت و تشکیلات بدنامی چون جمعیت موقوفه اسلامی بوده‌اند، خود نشان دهندند. این است که چه کسانی در روزهای ایجاد انتخابات سود خود را می‌جوینند. محافظه‌کاران در وضعیت درمانی، نجات خود را در آن یافتندند که دست باری به سوی رفسنجانی دراز کنند و این مؤلفت «سال‌های طلاقی» را بار دیگر به سوی فراخواند. ریاست مجلس نیزند و با گمک او مجلس را می‌چنگان به عنوان سینگری برای مقابله با جریان اصلاحات در ایران حفظ کنند. محافظه‌کاران در کاربست این سیاست در عین حال هدف گسترش شکاف در جبهه اصلاح طلبان را دنبال می‌کردند و می‌کنند و در این هدف تا حدودی نیز موفق شده‌اند.

در برابر این سیاست، فشار جنبش توده‌ای، افکار عمومی و بخش پیشروی اصلاح طلبان، جریانات وابسته به جناب چپ حکومت را از فسنجانی دور کرده است. اکثر شکل‌های وابسته به این طیف اعلام کرده‌اند از کاندیداتوری رفسنجانی حمایت نخواهند کرد. این فشارها، حتی طیفه‌های محافظه‌کار چپ حکومت ادامه در صفحه ۵

تیریک به همین میهان مسیحی!

این شماره «کار» آخرین شماره سال جاری میلادی است. کارکنان نشریه کار، فرا رسیدن سال آمیلادی ۱۳۷۸ را به همه هم‌میهان ارمی و آسوسی و دیگر ایزابیانی که به استقبال سال نو میلادی می‌روند، تیریک می‌گویند و برای آن‌ها سالی سرشار از موفقیت و پیروزی و شادکامی آرزو می‌کنند. آرزو داریم در سال نو، مردم کشور ما بتواند کامهای بیشتر و بزرگ‌تری در جهت برقراری دموکراسی در کشور و از حمله پایان دادن به ستم مذهبی و دینی بر اقلیت‌های مذهبی ایران بردازند.

توجه: شماره آینده «کار»
با یک هفته تأخیر در روز ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۰ منتشر می‌شود.

پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای باید به یک نهاد مورداً عتماد مردم سپرده شود

با گذشت یک سال از ماجراهی قتل های زنجیره ای پایان سال ۷۷، هنوز باید با این پرسش آغاز کرد که چرا این پرونده که هدف از آن به عنوان پرونده ای ملی یاد می کنند، پس گیری نمی شود؟ چرا رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس، این روزها و قبی سخن از پرونده قتل ها به میان می آید، هر یک به نوعی مسئولیت را از شانه خود بر می دارند. چرا این مسئولان و وزارت خانه هایی که قانونا موظف به رسیدگی به پرونده قتل ها هستند، از پذیرش مسئولیت این پرونده شانه خالی می کنند؟ اختلاف یونسی وزیر اطلاعات، نیازی رئیس دادسرای نظامی و خاتمی درباره پرونده قتل ها بر سر چه بود و در جلسه مشترک آنان با خامنه ای چه گذشت؟ آیا پیگیری پرونده به دست قاتلان نیختاده است؟ ظاهرا اگر چه بعد از جلسه مشترک با خامنه ای، توافق بر آن شده که نظارت خاتمی و شاهروodi بر پرونده قتل ها بیشتر شود، اما آینده مهم و تاریک پرونده هم چنان به قوت خود باقی مانده و بیم آن می رود امران قتل ها، این پرونده را به یاگانی بسیارند. این نگرانی ها در سخنان خانواده های قربانیان، وکلای مدافعان آنان، نویسندها و روشن فکران و دانشجویان کشور یاز تاب یافته است. یک سال پیش تحقیقات درباره یافتن عاملان و امران قتل ها بر اثر شمار اتفکار عمومی در مسیری افتاده بود که اگر پیگری می شد و به پیراهنه نمی رفت به علی فلاحیان، رفستجانی و بیت ولایت فقیه رسید. خامنه ای در همان روز های نخستین با انتساب قتل ها به «قدرت های خارجی» راه انحراف در مسیر پرونده را گشود. برای اثبات این ادعای «رهبر» دادسرای نظامی به هر وسیله ای متول شده است تا سرنج قتل ها را به یگانگان نسبت دهد. نوار اعتراف متهمنان که سازمان قضایی نیروهای مسلح خبر از پخش تلویزیونی آن داده است، در همین جهت تهیه شد. نهادهای تلویزیونی، اعتراضات که بر اساس رهنمود خامنه ای

(دخلات عوامل خارجی) و ستاریو حسینیان (اتجاج قتلها از سوی جناح چپ حکومت) تبیه شده است، ظاهرا به دلیل مقاومت جناح اصلاح طلب هنوز پخش نشده‌اند. اما اظهارات برخی از نویسنده‌گان طرفدار رئیس جمهور و پرسش هزاران داشتگو از رئیس جمهور در باره علت عدم پیگیری قتل‌ها، جالب‌تر، تلغیت رو در عین حال سوال برانگیزتر است. اطرافیان خاتمی از جمله اکبر گنجی و عطریانفر در مقالات خود فاش ساختند که دست خاتمی از پرونده قتل‌ها کوتاه شده و رئیس جمهور از روند پیگیری پرونده اطلاع ندارد. خاتمی این اظهارات را رد کرد و گفت در جریان پرونده هست. این اظهار نظر تنها بر سوالات افزود: چه کسی راست می‌گوید؟ آیا خاتمی می‌خواهد در مردم اطمینان ایجاد کند و آیا اطمینانی که پشت‌رانه واقعی نداشته باشد، راه کسانی را که می‌خواهد پرونده را مختومه کنند، هموارتر نخواهد کرد؟ آیا این شایعه که پرونده به دست قاتلان افتاده است، تنها یک شایعه است؟

در هفتادهای اخیر افکار عمومی به زبان‌های مختلف اعلام کرده است پرونده قتل‌ها از مسیر کشف حقیقت خارج شده است و تعاریف رئیس‌جمهور از این که افرادی که پرونده را پیگیری می‌کنند ادمهای درستکاری هستند، این نگرانی را بر طرف نمی‌کند. تجزیه یک‌الله اخیر ثابت کرده است که سازمان قضایی نیروهای مسلح که مسئولیت رسیدگی به این پرونده را در اختیار دارد، نه صلاحیت و نه منعیت در کشف ریشه‌های این جنایت دارد. به همین اساس محاکم مختلف، از جمله دهان‌نفر از نویسنده‌گان کشور و همچنین برخی از روزنامه‌ها و فعالین اصلاح طلب خواهان آن شدائد که پرونده از دست سازمان قضایی نیروهای مسلح خارج شود. ما از این نظر پژوهشیان می‌کنیم که برای خروج پرونده از پیراهن و کشف حقیقت، باید ارگانی مستقل از حکومت تشکیل شود که مورد اعتماد مردم باشد. مردم به نهادی که با حضور نمایندگان خانواده‌های قربانیان، وکلا می‌نتخب انان، نمایندگان وکلای مستقل و ملی کشور، نمایندگان کانون نویسنده‌گان ایران و دیگر نهادهای مردمی و دموکراتیک تشکیل شود و پیگیری این پرونده را بر عهده گیرد، می‌تواند اعتماد کنند. از نظر ما باید چنین نهادی برای کشف حقیقت و معرفی امران قتل‌ها تشکیل شود.

کمیته دفاع از حقوق قربانیان قتل‌های زنگیره‌ای: جامعه در انتظار مجازات عوامل پنهان و آشکار قتل‌های زنگیره‌ای است

که اطلاعات منتشر شده از طرف سازمان قضایی نیروهای مسلح خد و نقیض و ابهام آمیز بوده و از دسترسی کلای اولیاً دم به پرونده‌ها نیز تاکنون جلوگیری شده است، کمیته دفاع از حقوق شهید این است، کمیته دفاع از حقوق قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای ضروری می‌داند که خواسته های خود را اعلام کند.

در نخستین خواسته این کمیته تأکید شده است: از آنجاکه به موجب ماده یک قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و قانون تمدید مدت ان رسیدگی به پرونده حاضر خارج از صلاحیت سازمان موصوف ادامه در صفحه ۴

کمیته دفاع از حقوق قربانیان لهای زنجیره‌ای با صدور لامبه‌های خوستار محاکمه بهمن پرونده در دادگاه عالی و حضور هیات منصفه شد. این میته که در سالروز قتل داریوش پروانه فروهر اعلام موجودیت در بیانیه خود نوشته است: «ین سالگرد و بزرگداشت ان باختگان آذربایجان سال ۱۳۷۷ حالی برگزار می‌شود که امعاهه ما تنشی آگاهی از ماهیت و گذشتگی‌های این جنایات فوجی و سویت عاملان و اسران آنها چنان در انتظار محاکمه و مجازات عوامل پنهان و آشکار ن ماجرا بدسر می‌برد. در ادامه اطلاعیه آمده است: از آنجا

دها تن از نویسندهای کشور در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه:

آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای و همکاران رسانه‌ای آنان را در دادگاه علنی محاکمه کنید!

کوش آبادی، هوشگ گلشیری، کاوه گوهرین، شهلا لاهیجی، سایر محمدی، احمد محمود، عباس مخبر، مجید مددی، محمود معتمدی، رضا معتمدی، اکبر مصعومیگی، شهاب مقریان، حافظ موسوی، نسترن موسوی، فیروزه همچار، متیوه نجم عراقی، جمشید نوابی، فریدون نوابی، ناصر وحدتی، حمید یزدان پناه، ابراهیم یونسی، هوشگ گلشیری، عضو هیات دیوان کانون نویسندهای ایران، پیرامون انتشار این نامه، به روزنامه عصر ازادگان گفت: این نامه مدنی پیش تفیه شده بود و به علت پیش آمدن مسایلی از قبیل انتخابات هیات دیوان کانون و تکمیل نبودن امضاءهای انتشار آن تاکنون طول کشید. نامه سپس به امضای داوطلبین رسید، اما از آن جاکه پیش از تشکیل مجمع کانون نویسندهای تدوین شده بود، امضای کانون نویسندهای ایران به طور رسمی در ذیل آن نامده است. □

استا، علیرضا پنجدهای، علی سورصف، بابک تعقی، علیرضا بجباری، کامران جمالی، جاحد چهانشاهی، رضا چایپی، محسن حکیمی، آنور خامه‌ای، مهین شدیور، عظیم خلیلی، محمد خلیلی، رضا خندان، روشنک اربیوش، علی اشرف درویشان، محمود دولت‌آبادی، فریبرز یسی دانا، میره روانی پور، نام روبین، ناصر زراشقان، هژزاده زرین پور، یزدان لاحشور، عنایت سمعی، محمدعلی شاکری یکتا، احمد ساملو، علی اصغر شیرزادی، ررسده صالح پور، محمد رضا صدری، ایرج ضایی، فرزانه طاهری، رضا عابد، هوشگ اعasherوارزاده، شیرین عبادی، علی بیدارالضایی، یوسف عزیزی نی طرف، ناهید فروغان، مهدی دادر، محمد قاسم‌زاده، مهدی رزیب، مهرانگیز کار، ایرج کابلی، کاظم کردوانی، نصرالله کرائیان، قاسم کشکولی، عبدالله کوثری، جعفر

سیاوش مختاری: مسئولان به وظیفه خود عمل نکرده‌اند، جامعه قاتع نیست!

سیاوش مختاری، فرزند محمد مختاری در مصاحبه با خبرنگار صبح امروز گفت: مسئولانی که طی یک سال گذشت به وظیفه اصلی شان که پیگیری قتل‌ها است عمل نکرده‌اند به وظیفه پاسخگویی در پرابر انکار عمومی هم عمل نمی‌کنند. وی افزود: نکته قابل توجه این است که پرونده‌ای که این چنین جامعه و نظام را به تکابو انداده است چیزی ثبوت نبود که محدود به علکار یک محفل چند نفره در وزارت اطلاعات باشد. تمام قرائن نشان می‌دهد که این مساله خیلی وسیع تر و عیقیق تر از این حرف ها بوده است. سیاوش مختاری گفت: برخی افراد نمی‌خواهند سرنخ قتل‌ها پیدا شود و طبیعی است که با استناد به قرائن موجود و اینکه پرونده دامن خیلی‌ها را خواهد گرفت، از پیگیری پرونده و موشکافی قضایا جلوگیری می‌کنند. وی در مورد هدف از انجام قتل‌ها اظهار داشت: حذف حدف و قتل آندیشه بود. به اشتباه عنوان می‌شود که در یک مقطع زمانی یک محفل برآسas ادامه در صفحه ۴

رسانی شد. این معرفی و مبارزه با سیاستگران و فرهنگیان ایمنی و امنیت ملی ایران از جنایات اولیای دم و ملت ایران و عنوان شاکیان عصومی این روند نیست. همسر محمد جعفر یونینه در این مورد که به نظر ای رسد رهبری پانز قاتلان را به سعید امامی و مصطفی کاظمی حسود پکنند گفت: واقعاً می‌دانم که آیا یک محفل چند فرهنگی و ادبی و انسانی و ایمنی داشت و با این حساسیت می‌توانست خودسرانه عمل کند. اقانمی دانم، اما اگر چنین پاشد من متساقتم. وی در ادامه این مصاحبه با اشاره به روند طی شده پرونده در یک سال گذشته گفت: جریان امور نشان می‌دهد که آن جدیت و کاری که باید انجام گیرد در مورد این پرونده می‌دانم. سپاه پیوندۀ خاطرنشان می‌گرد: وقتی که سعید اسلامی ۸ سال معاونت یک وزارت‌خانه را رعیت‌دهد داشت نمی‌توان گفت که قتل‌ها محدود به چند نفر بوده

دشمنانهادهای روزنامه‌ای... ما را به حق نگران می‌دارد که کدام روز دیگر نویسندگان را می‌تواند یا شاعر یا ناشر یا سیاستدار می‌رسد تا جنازه شرحه شرحه او را به دوش ببرند.

نویسندهاند که در پایان نامه خود نوشته‌اند: ما نویسندهانکان با توجه به همه جوانب، از جنابعالی، به عنوان پسالاترین مقام قضایی کشور می‌خواهیم مقدمتاً پروتده این قتل‌ها در اختیار وکلای دم قرار گیرد و سرانجام همه آمران و عاملان قتل‌های تنجره‌ای و همچنین همکاران رسانه‌ای آنان در دادگاهی علیه محاکمه شوند. همچنین می‌خواهیم رویش همه این قتل‌ها و حشت افرینی‌ها در هر شکل و هر مقام شناسایی و معترضی و محاکمه شوند.

افراد زیر این نامه را امضاء کرده‌اند: حسن اصرفی، حسین افشار، علی باباچاهی، پروریز بابایی، علیرضا بابایی، جلال بسایرام، جمشید بزرگ، محمد بهارلو، سیمین بهبهانی، حسن

سال‌های نزدیک از میان
سیاستمداران و نویسندهان
نشانشان و محظقان این ملک
گذشتند از پریگ مشکوک سیده
سیمیرجانی آن هم در زندان
مقداراً اثر شدن پیروز دوانی
پروانه فروه، داریوش فروهر
احمد میرعلایی، غفار حسینی
محمد مختاری، محمدمحمدی
پوینده، مجید شریف، دکتر احمد
تفضلی، ابراهیم زالزالزاده و چندی
نفر دیگر به قتل رسیده‌اند. اگر
طرح به دره اندختن اتوپویسی
عازم ارمنستان بود به نتیجه
مورد نظر همان محل مغلق می‌رسید
امروز به سیاهه بالا باید نباشد
بیست و یک نفر دیگر
می‌افزودیم.
در ادامه این نامه آمده است
اکنون با توجه به گذشت نزدیک
به یک سال از اطلاعیه وزارت
اطلاعات و اذاعان به وجود
محفلی در آن وزارت‌خانه
دستگیری شنها معهودی
عاملان و به درازا کشیدن جریا
با زجوبی از آنان و استمرا

در مراسم سالگرد قتل مختاری و پوینده:

دانای رئیس پریز شری:

پاسخ مردمی که قبول ندارند این
قتل هایی حکم بوده، کدام است؟

محسن حکیمی عضو کانون نویسندگان ایران: آمران و عاملان این جنایت باید به دلیل ای قتل حق حیات محاکمه شوند نه توهنه علیه نظام!

در توضیحات و برnamههای تلویزیونی آمران با تعبیر مصادره نپنهان میمانند و به جای آن، از دستهای خارج مشکوک و ناشناخته سخن می‌رود و تهدیدها و پشتبانی‌های از جنایتکاران در سطح وسیع پخش می‌شود و حتی سوراخیت قرار می‌گیرد، پس پاس شما به صبر و اعتماد مردم چیست؟ پاسخ به مردمی که قبولاً ندانند این قتل‌ها بحق بوده باشد، کدام است؟ رئیس‌دانای این سخنان خود گفت: تا آمرا پایان سخنان خود گفت: زنجیرهای محاکمه قتل‌های زنجیرهای محاکمه نشوند، هیچ ایده‌ی به مرقرقره امیت برای شهروندان نیست. محسن حکیمی عضو کانون نویسنده‌گان ایران نیز طی سخنرانی از عسلکرد سازمان قضایی نیروهای مسلح داطلاع رسانی پرونده قتل‌های زنجیرهای انتقاد کرد و گفت: یک‌هزار کاسته‌های موجود در ایران پرونده نگرانی از انحراف سیاسی‌گیری این جایات است. برای پسیاری از دگراندیشان و مردم تردیدی تئانه است که قتل‌های زنجیرهای با مجوز شرعی انجام شدندان و سوال اینجاست که رابطه‌ای میان فتواده‌ندگان انتراف مسیر پرونده وجود دارد وی افزود: تنها راه حل ایرانی معصل، محاکمه علیٰ با حضور هیات منصفه و کیل مدافع برای صادرکنندگان مجوز شرعی ایران جایات است. حکیم در پایان سخنان خود تصريح کرد: مسئولان به این پرسش پاس دهند که آیا قربانیان قتل‌های زنجیرهای حق حیات داشته‌اند اگر پاسخ به این سوال مثبت است، مسئولان پرونده بایان اعلام کنند متهمنان این پرونده بودند و جرم گرفتن حق حیات اشهروندان محاکمه می‌شوند و نه به خاطر توطه علیه نظام و فساد اخلاقی!

سیاست جامع شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در قبال انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی

تعاقب تصمیمات ششمین اجلاس شورای اسلامی سازمان پیرامون است ما در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی، و نیز تصمیمات هفتمین اجلاس آن دایر بر تکمیل و تعمیم این سیاست توسعه دست سیاسی - اجرایی، اینکه جامع سیاست شورای اسلامی که پس از اقرار نظر شورا را روی تصمیمات بعدی هیات سیاسی - اجرایی حاصل است، به اطلاع رسانده می شود:

۱. ما بر ضرورت برگزاری انتخابات دموکراتیک و حق شرکت ایاب غیرحکومتی در انتخابات آتی مجلس شورا تأکید می کنیم.
۲. ما خواهان حذف هر نوع محدودیت برای شرکت افراد و نیروهای سی در انتخابات مجلس شورا، به ویژه نظارت استصوابی شورای این بیان که مهمترین حریم حذف مخالفین و رقبای نایابی است، هستیم.
۳. شرکت وسیع مردم در انتخابات مجلس شورا بسود جنش خواهد بود و خواهانه و اصلاح طلبانه است. ما از مردم خواهیم خواست که بین انتخابات شرکت کنند.
۴. ما در انتخابات آتی مجلس شورا، مستقلان شرکت خواهیم کرد و از حصر و جریان های آزادی خواه نیز خواهیم خواست که برای این بیانات نامزد شوند و مستقلان در آن شرکت کنند.
۵. ما آماده همکاری با همه نیروهای آزادی خواه و اصلاح طلب در انتخابات مجلس شورا هستیم و از آنان می خواهیم که از حق شرکت همه راهی سیاسی، از جمله سازمان، در انتخابات دفاع کنند.
۶. ما در چارچوب این سیاست، از نیروهای آزادی خواه و اصلاح طلب، اعم از حکومتی یا غیرحکومتی، حمایت خواهیم کرد.
۷. ما از شرکت نهادهای مستقل و صنفی و دموکراتیک کشور در انتخابات دوره ششم مجلس شورا حمایت می کنیم.
۸. ما اصلاح طبلان حکومتی را از ائتلاف با جناح حاکم در انتخابات نیز شورا پرهیز می دهیم و آنان را به شکل دادن به ائتلاف نیروهای دموکراتیک دعوت می کنیم.

پستگان قربانیان قتل‌های...

ادامه از سفحه ۳
ک استدلال فردی یا محفلی به نین نتیجه رسیده است که چند نفر از رسانه های پردازد. فرزند محمد ختاری افزوود: مقتولان سالها حقوق شهروندی خود و از اپ و انتشار اثارشان محروم رداند. در حقیقت مذک آنها از ن زمان آغاز شد تا به حذف سیاستیک آنها رسید. سیاوش ختاری گفت: پدرم بارها تهدید مده بود. در سورد نامه ۱۳۴۶ رسیده هم تهدید شده بود. شخصی بدنام هاشمی که اغلب رسیده ها او را می شناخته اند ر ارتباط با پدرم بود. پدرم ک بار گفت که او را با چشمپندی جای نامعلومی برده بودند و قامی بالاتر از هاشمی با او صحبت کرده و گفته بود که شما دانید که ما قبلا خیلی کشتاریم باز هم می کشیم و آب هم از آب کان نخواهد خورد. این جمله ای رد که پدرم گفت و من حفظ این طور می اضافه کرد: پیش از این شکل و ماقیت بروند و واقعیت موجود در آن هم روشن است از نقطه نظر سیاسی جامعه به همچویه قانون نشده است و حق هم دارد که قانون نشود. تمام صحبت هایی که شده است با هم مغایرت دارند و ضد و نقیض هستند و نمی شود آنها را پذیرفت. دکتر رفashion خاطرنشان کرد: یک

ناصر زرافشان وکیل خانواده

پوینده: هج چیز ناشناخته‌ای وجود دارد، انتکیزه حذف مخالقان بود است

همزمان با ورود به صحنه انتخابات

هاشمی رفسنجانی در برابر قضایت سخت و بی سابقه افکار عمومی قرار گرفت



رسانی با تبلیغات بسیار و تحت محافظت شدید برای ثبت‌نام در وزارت کشور حاضر شد

خود در روز پنجشنبه گذشته برگزار کرده است. پیش از شکل این جلسه این منع گفت: اگر نتیجه این جلسه مثبت باشد مجمع روحانیون و کارگزاران با یکدیگر ائتلاف خواهند کرد و اگر نه لیست مشترک در انتخابات ارایه خواهد داد با این حال روزنامه های روز شنبه هیچ خبری راجع به جلسه «حساس و حساس» نماینده های به اراده از صفحه اول آقای عبدالله نوری بود. وزیر ارشاد آقای آقازاده بود. افراد مستقلی مثل آقای دکتر حبیبی و امثال آن داشتم. وی اضافه کرد: وقتی در مجلس بودم عضو جامعه روحانیت و عضو حزب جمهوری اسلامی بودم ولی حامی نماینده های به اراده از صفحه اول آقای عبدالله نوری بود. وزیر

١٥

روزنامه «افتخار امراء»
یادداشتی پیرامون «دیده»
حرف‌های فایزه هاشمی داد
پدرش» نوشت: در م
موافق خان رفتگانی به
مجلس شدن ابوی محت
باشد گفت این نظریه نه
باشد

اشکالی ندارد، بلکه بسیار خوب است، به هزار دلیل و از همه این که هر فرزندی دارد پدرش رشیش شود رئیس جمهوری نشد، مجلس، آفتاب امروز نوشته

پگوئیم پرونده قتل هایی
زمان ریاست جمهوری
هاشمی انسجام شده به ا
ربطی ندارد پس می توان
کرد بسیاری دیگر از اتفاق
حوادث و مسایلی که
دوره ۸ ساله روی داد
ایشان ربطی ندارد، از
مسائله سازندگی!

لطفاً داشتگی را در نظر نداشته باشید.

مسند است، از ترسیم میرزا
پک تظاهرات و اجتماع با
آوردن، تا حدود زیاد
تو انتستند تاثیر خود را در
انتخاباتی کشور باقی بگذارند
هر چند هنوز نمی‌توان با
گفت مذاکرات پشت پرده
فوقانی قدرت چه وضعیتی
گروههای حامی دوم
تحمیل خواهد کرد، اما با
می‌توان گفت این تلاش هم
نتیجه‌ای بررسد، هم
رفسنجانی در نزد افکار
به شدت استیضاح شده
ضریبهای که افشاگری دانش
بر او وارد آورده است.
قابل جان نباید بدان

شار محروم شد
مدیرمسئول روزنامه «آریا»
نامه خود محکوم کرد. این حکم
وارت اطلاعات صادر شده اس-
ش اذفان عومنی «اعلام شد.
رزنامه آریا از جمله شکایات:
ت نیروی زمینی ارتش، عباس

جیہے سوہمی

در انتخابات مجلس شکل می‌گیرد؟

در فاصله انتشار دو شماره روزنامه کار و در زمانی که به پایان یافتن زمان ثبت نام داوطلبان برای نایابندگی مجلس ششم نزدیک می شدیم سه گروه مختلف از نیروهای ملی مذهبی کشور، یعنی اشلاف روشنگران دینی و روزنامه نگاران اصلاح طلب، نهضت آزادی ایران و ۷۴ تن از فعالان ملی - مذهبی، برنامه های خود را برای انتخابات مجلس ششم را ایجاد کردند. آنچه که در برنامه های این سه گروه بر جسته است نزدیکی موضع و خواست های مطروحه با دو گروه دیگر و همچنین نیروهای آزادی خواه و لاییک است.

محთوای کلی سه برنامه ای را که شده تنشان می دهد که آنان می توانستند با مختصی هنکری یا یکدیگر، یه برنامه جامع مشترک پرای شرکت در انتخابات دست یابند. نکاتی چون اصلاح قانون مطبوعات پرای تضمین آزادی بیان و اصلاح قانون احزاب برای تأمین فعالیت آزاد هر دو در جهت لغو صدور مجوز از طرف حاکمیت سیاسی و پوشش از تقسیم بندهی خودی و غیر خودی در نهاده های سدگ و دیاد شد، بافت شد.

برخی از مردم سه نروده یارند، یا هستند، خواستهای مهم دیگری چون اصلاح قانون انتخابات و حذف موافق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود از طریق حذف نظارت استصوابی، اتحال دادگاه‌های ویژه روحانیت و انقلاب، جلوگیری از قانونگذاری توسط مرتعش مجمع تشخیص مصلحت، پیگیری قتل های سیاسی زنجیره‌ای، تشکیل هیات منصفه برای رسیدگی به جرائم سیاسی، تأمین تسهیلات برای شکل‌گیری نهادهای مدنی و استقلال مدیریت دانشگاه‌ها، حذف نهادهای موازی، فراهم کردن زمینه مشارکت بیشتر تمام اقوام ایرانی در اداره امور کشور و استیضاح حقوق اقلیت‌ها و حذف تعییضات ناروا در برنامه دو گروه از سه گروه ملی - مذهبی نام برده آمده است. به مسائل مهمی چون ایجاد زمینه بازگشت ایرانیان خارج از کشور به میهن، تقویت شوراهای تأمین استقلال قوه قضائیه، پایان دادن به رویارویی خصم‌های دولت‌ها، ارجاع به همه پرسی عمومی در مورد مسائل مهم مورد اختلاف چون مذاکره یا عدم مذاکره با امریکا، تشکیل کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون امور امنیتی و اطلاعاتی در مجلس، اصلاح قوانینی که حقوق و آزادی‌های زنان را محدود می‌کند و اصلاح قانون نشر کتاب و قانون سینما در جهت لغو ممیزی نیز در این یا آن برنامه از سه گروه را دارند.

پرداخت شده است.

اختلاف روشنگران دینی و روزنامه‌نگاران اصلاح طلب ضمن معرفت روحانیات اصلی باورهای ایدئولوژیک خود، برنامه خود را همراه با تقسیم‌بندی الویت‌های سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی عرضه کرده است که اهم آن ذکر گردید.

تایید بر مردم‌سالاری و برقاری و تقویت جامعه مدنی روح اصلی برنامه‌های سه گروه ملی - مذهبی شرکت کننده در انتخابات مجلس ششم است. در کنار این سه گروه نیروهای دموکرات و آزادی خواه لائیک هم با برنامه‌های کمایش مشابه با آنها در داخل و خارج از کشور وجود دارند که قصد دارند به این یا آن شکل در انتخابات شرکت کنند، اما به دلایل مختلف و به ویژه به خاطر سرکوب شدید در سال‌های اخیر نتوانسته‌اند افراد شاخصی را برای تاییدنگی مجلس معرفی نسایند. همکاری وسعی این نیروها در جهت ایجاد نیروی سومی در جامعه، می‌تواند جنبش دموکراتیک و آزادی خواهان مردم کشور را به میزان قابل توجهی تعیق پخشند و تردیدهای اصلاح طلبان حکومتی را میان حل مسائل در بالا از طریق چانهزنی و تفاوت با انحصارگران و محافظه‌کاران و روی اوردن به مردم و تلاش برای تأمین خواسته‌های بنیادی انان، در جهت دوم ببرطرف کند.

ایجاد چین همکاری‌هایی در سطوح گسترده، بدون شک با موانع زیادی روبرو است و فرست نیز برای تدارک آن کافی بهنظر نمی‌رسد. اما نه این موانع و نه این زمان کم، هیچ‌کدام نمی‌تواند مانع از آن باشد که همکاری در هر سطحی که ممکن است، صورت نگیرد. ما به نوبه خود از چین همکاری‌هایی استقبال می‌کنیم و حسابت از خواسته‌های ترقی خواهانه موجود در برنامه نیروهای فوق را گام نخست از سوی خود در این جهت می‌دانیم.

جامعه در انتظار مجازات و...

حق قانونی اولیایی دم و کلای
آنان، مندرجات پرونده در
دسترس آنان قرار گیرد. این
کمیته در پایان اعلامیه خود
خواستار پیگرد و انجام تحقیقات
جدی از مسئولان رددهای بالاتر
که بر کار و ظایف امامی و سایر
متهمین پرونده نظارت مستقیم
داشته‌اند شده است.
کمیته دفاع از حقوق قربانیان
قتل‌های زن‌سجیرهای از
خانواده‌های متغیری و برخی
معتمدین خانواده‌ها و دوستان
آنان تشکیل شده است. اعضای
اولیه این کمیته عبارتند از مریم
مسختاری، سیاوش مختاری،
پرستو فروهر، سیما پونینده، دکتر
احمد صدر حاج سید جوادی،
مهندس علی‌اکبر معین‌فر، حسین
شاهحسینی، دکتر ناصر زرافشان،
کاظم کردوانی، دکتر فریبرز رئیس
دانان، منصور فرهمند و محسن
حکیمی.

ادامه از صفحه ۳
است، ارجاع پرونده را به مرجع
قضایی ذی صلاحیت خواهیم
در ادامه اعلامیه توشه شده
است: با توجه به اینکه کسانی
بدخلاف خود در این ماجرا یا
اطلاع خود از مندرجات این
پرونده اقدار کرده‌اند، همچنین
به موجب بیانیه‌های منتشره
بدامضای فذایان اسلام ناب
محمدی که حسب اعلام سازمان
 قضایی از طرف باند «سعید
امامی» و «مصطفی کاظمی»
منتشر شده است، کسانی برای
قتل‌ها حکم و مجوز صادر
کرده‌اند. ضروری است باکلیه
این عناصر برخورد قانونی و
قاطع به عمل آید و ضمن تعقیب
و انجام تحقیقات جدی از آنان،
این عناصر بدجامعه معرفی
شوند. کمیته دفاع از قربانیان
قتل‌های زن‌سجیرهای همچنان
خواستار آن شده است که طبق

نقش تازه مسئولان قضایی کشور برای پخش «اعترافات» عوامل قتل های زنجیره ای به درستی مورد حساسیت و بدگمانی نیروهای ترقی خواه و اصلاح طلب در ایران قرار گرفته است. آن گونه که از اخبار پراکنده پیداست، در فیلم هایی که قرار است از متهمین پخش شود، آنان مجبور به تکرار داستان هایی شدند که مسئولین قوه قضاییه مایلند بشنوند. به خاطر تهیه این اعترافات و پرای این که متهمین آن گونه اعتراف کنند که مسئولان می خواهند، آنان را تحت فشار های روانی و شکنجه قرار داده اند، در سلول های انفرادی نگاهداری می کنند، از ملاقات با خانواده هایشان و هر گونه تماس با دنیای خارج محروم کرده اند و... داستان آشنا و قدیمی در جمهوری اسلامی!

«جنبش دوم خرداء» به اعتراف علیه این توطئه غیرانسانی بروخاسته است. نه فقط به این خاطر که از این اتهامات این هدف دنبال می شود که مسیر پرونده قتل های زنجیره ای اساسا در راه دیگری یافت، بلکه ظاهرا به این دلیل نیز، که برای اخذ این اعترافات حقوق انسانی متهمان زیر پا گذاشته شده است. در روز نزدیکه های اصلاح طلب به موارد پرشماری از این گونه اعتراف گیری ها توسط سعید امامی اشاره می شود و از جمله اعترافاتی که در برنامه تلویزیونی هوتی پخش شد، در این اشارات برای نخستین بار این حقیقت اشنا می شود که این مصاحبه ها و اعترافات هم تحت شکنجه صورت گرفته است و هیچ ارزش حقوقی، قضایی و انسانی ندارد...

اعتراض جنبش دوم خرداد علیه اعتراض‌گیری توام با شکنجه در زندان‌های جمهوری اسلامی، اعتراضی درست و بحق است. اما پرسش این جاست که آیا این روش را سعید اسلامی ابداع کرده است و اگر نه، پس چراز سده‌ناشیش تلویزیونی دروغین و شایسته نیست؟

شرم اور پیش از ان سختی نمی روید میخان بد یاد دارند که شرم اور «اعترافات تلویزیونی» از سال ۶۰ و با آغاز سرکوب سازمان های سیاسی مختلف رژیم باب شد و اوج آن، اعترافات دروغینی بود که بر دهان رهبران حزب توده ایران جاری کردند. هیچ عقل سالم و هیچ منطقی نمی تواند بپذیرد که این گونه اعترافات پیش از زمان سعید اسلامی بر شیوه های انسانی و داول طلبانه متکی بوده و تنتہ بعد از حضور او در مقام معاونت امنیتی وزارت اطلاعات به مسیر «نقض حقوق بشر» کشیده شده است.

نه تنها قربانیان این اعتراضات و نمایشات دروغین، بلکه تمامی جامعه ما از این نمایشات آسیب پیشاند. اکنون زمان آن است که جنبش جامعه مدنی در ایران، با صدای یلندر رفاقت و خشاند و شرم آوری را که با قربانیان این نمایشات تلویزیونی صورت گرفته، محکوم سازد و از آنان اعاده حیثیت نماید! 

رسانی را تنها بگذارید!

ادامه از صفحه اول
لیلر مجمع روحانیون مبارز را، که پیش از آن اعلام کرده بود به هر
میت باکارگزاران ائتلاف خواهد کرد، به عدم حمایت از رفستجانی
انگیخته است. هر چند هنوز زود است بتوان با تعطیت گفت آیا این
یاست تا پایان ادامه خواهد یافته یانه، اما اکنون فشار افکار عمومی
گونه‌ای است که حمایت از رفستجانی «هزینه» زیادی را بر این طیف
عمل خواهد کرد و هر کسی که در رفستجانی نزدیک شود، از بخش
گاه و پیشو از جامعه و به ویژه داشتجویان و جوانان دور خواهد شد.
در اینجا به ویژه سخن اصلی باکارگزاران سازندگی است که به نظر
رسد همچنان مصروفند تا سرنوشت خود را با سرنوشت هاشمی
رفستجانی یکی سازند. اظهارات پرخی از رهبران این حزب در واکنش
اشگارگری‌های داشتجویان علیه رفستجانی، به گونه‌ای بود که آنان را
نمک و کاست در برابر داشتجویان و افکار عمومی قرار داد. اگر این گره
دن سرنوشت‌ها دوچانه بود، شاید کتر سخنی در انتقاد از آن می‌شد
زیان اورده. اما تجربه نشان داده است هاشمی رفستجانی، از گزار
رفتن انگشتی که به قصد گذاشتن عمل به دهان او دراز شده باشد نیز
این ندارد. آنچه که او با کرباسچی کرد شاید یک نمونه قدمی باشد.
نمونه‌های جدیدتر نیز می‌توان سخن گفت: برپایی حزب «عدالت و
سعده» و اعلام «خبر مبارک» ورود او به صحنه انتخابات از جانب این
حزب، فقط نشانگر این نبود که رفستجانی میل داشت بر نزدیکی خود با
بیف‌های محافظه‌کار حکومت تاکید گذارد، این پیام را نیز در بر داشت
که کارگزاران سازندگی فقط یکی از ابزار پیشبرد سیاست‌های او
ست!

رفستگانی حتی اگر به قصد خود نایل شود و ریاست مجلس رانیز در تبارگیرید، سرنوشت روشنی نخواهد داشت. امروز کرسی ریاست و نام و منصب تعین کننده همه چیز نیست. همین حوالث چند روزه اخیر میان داده است او در میان دستکم سیخ های آگاه و پیشرو حتی کوکوت نیز اعتباری ندارد و در نزد افکار عمومی افشا شده است. او نیز این واقعیت را دریافت و از همین رو پیش از پیش به جیوه حافظه کاران لغزیده و شانس خود را برای حفظ قدرت، در ارادوی آنان جویید. هر جریان سیاسی که نخواهد این واقعیت را بیند، در رونوشت او شریک خواهد شد. پس آن ها که واقعاً به توسعه سیاسی و اهداف جنبش دوم خرد اعتماد ندارند، بهتر است رفستگانی را تهاجم ندانند، زیرا مانند بالا و به معنای جدایی از جریان اصلاحات است! ☐

کمک‌های مالی

صادق کارگر به نشریه کار	۱۰۰۰ مارک
صادق کارگر به خانواده شهدا به مناسبت ۱۹ بهمن	۵۰۰ مارک
از سوی رفقای قدمی در آورنتو کانا داد	۴۰۰۰ دلار

بخش‌هایی از نامه نورالدین کیانوری در مورد شکنجه در زندان‌های جمهوری اسلامی

جنایاتی کہ فاش می شود

مریم همسرم را که چشمش را بسته و دهانش را با دستمالی که در آن فرو کرده بودند، بسته بودند روی چشت شلاق خوابانده و دهان مراثم گرفتند و در برابر چشم من به پای لخت او شلاق زدن را آغاز کردند.

پودن، پسته بودند روی تخت
شلاق خوابانده و دهان مرا هم
گرفتند و در برابر چشم من به پای
لخت او شلاق زدن را آغاز
کردند. این جریان پیش از
شلاق زدن های شدید خودم که در
بالا یاد اور شدم، بود. آفایان
برای اینکه دست خود را به یک
چنین کار نتیگی که بدون تردید
قابل دفاع نبود، آلوه نکرده
باشد، یکی از افراد توههای را،
بنام حسن قائم‌پناه که برای فرار
از قشار، تن به پستی داده بود،
مامور شلاق زدن کردند. پس از
نشان دادن این منظمه، سرا به
کنم، تسليم نشدم) من ۱۸ کیلوگرم از وزن خود را
از دست دادم و تنها پوست و
استخوان از من باقی ماند، تا آن
حد که بدون کمک یک نفر حتی
یک پله هم نمی‌توانستم بالا
بروم و برای رفتن به دستشویی
هم محتاج به کمک نگهبان بودم.
پیامد این شکنجه و حشتاک
که هنوز هم باقیست، اینست که
دست چپ من نیمه فلنج است و دو
انگشت کوچک هر دو دستم که
در آغاز کاملاً ای حس شده بود،
هنوز نیمه‌بی حس هستند.

پشت در سلول شکنجه گاه بردند
و به زمین نشاندند و از من
اعتراف می خواستند تا شلاق
زدن به پای همسر را که من
صدای ضربات شلاق و ناله
همسر را می شنیدم، پایان دهند.
پس از چند دقیقه (۲) چون من
با کارکنان آغاز شدم

یاوری کنم که من در آن
زمان ۶۴ ساله بودم.

همسر میریم را انقدر شلاق
زدند که هنوز پس از ۷ سال، شب
هنگام خوابیدن کف پاهاش درد
می کند. البته این تنها شکنجه
«قانونی» بود که به انواع توهین

نوه ایران به آیت الله خامنه‌ای
ست. نورالدین کیانوری ماه
پیش در تهران در شرایط
ماگواری در گذشت و اکنون این
مکان پدید آمده است که برخی
ماگفته‌ها در باره او و برخی
ماگفته‌های او منتشر شود:

در مورد اکثر بازداشت شدگان ز هسان روز اول بازداشت و در سوره من چند روز پس از بازداشت، شکنجه به معنای کامل خود با نام نونین «تعزیر» آغاز گردید. شکنجه عبارت بود از خلاق با لوله پلاستیکی تا حد شکنجه کردند که بسته به نوع و لایحه حضرت آیت الله خاتم الانبیاء و مسیح امیر المؤمنین (علیهم السلام) این اتفاق را در میان افراد اسلامی ایجاد نکردند بلکه این اتفاق را در میان افراد مسیحی ایجاد نکردند.

و سپس دنیشید که بدترین سوی
شکنجه (تعزیر) همین بود. نه از
این بذرگنم و نوعی بگرد بود.
چویه دار ایستادهام سوگند به
و جدان انسانیم که حتی یک کلمه
نوع اول شکنجه جسمی بود و
آن آنجور بود که قدر را دستبند.
از آنچه در این تشریح نوشته‌ام،
غیر از قصر و حیثیت زاده و مادر
قیانی مزدمند سلطنت را به
فقط مراجعت آن تا دوباره

حلقه‌ای که در سقف شکنجه خانه
کار گذاشته شده بود آویزان
می‌کردند و او را به بالا
می‌کشیدند، تا تمام وزن بدنش
روی شانه‌ها و سینه و
دست‌هایش فشار غیر قابل تحمل
وارد آورد. درد این شکنجه
نیست به دستبند قپانی ساده
بلطفه این دشمن همان‌جا قرار
بودست یاور و درست ۳ ماه طول
کشید و در این مدت هر روز
با نیزمان آن نومی شد و تنهای
ز ۳ ماه من توانست از هفتادی
بکبار حمام رفتن پنهان گیری کنم.
نوع دوم شکنجه که بر مراتب از
سلامق و حشتاک تر است، دستبند
قپانی است. تنها کسی که دستبند

شاید در پر ابری باشد. حتی افراد
ورزیده‌ای مانند دوست عزیز ما
اگر عبا عباس جرجی که ۲۵ سال
در زندان‌های مخوف شاه مردانه
پایداری کرد، چندین بار از هوش
کردن ناسله‌های دخترم مسحور
که دند و آزم: خدمتمند
شیاطی خورده است می‌تواند
درگ کند که دستیند قیانی آنهم
۱۰ - ۸ ساعت متوالی در هر
شب، یعنی چه؟

زندگانی خود را می‌گذراند و می‌گذرانند
که این اتفاق را باز هم بخواهند
و این اتفاق را باز هم بخواهند
که این اتفاق را باز هم بخواهند

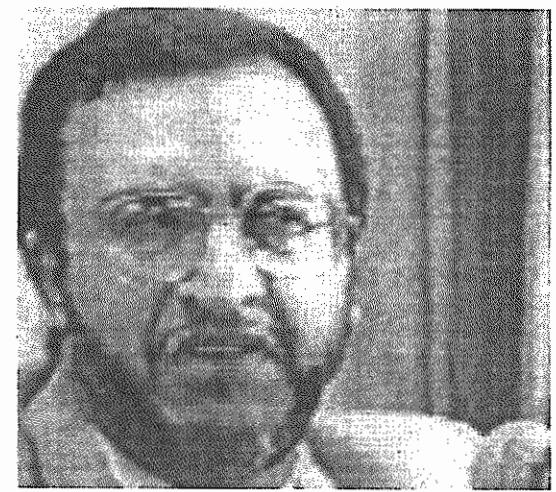
پروردید، و پس از میان سهور روزی
زمین بود. سرا به پشت در
شکنجه گاه آوردند و گفتند اگر
اعتراف نکنی، مریم را با
خواهیم کشید. چون من حاضر به
اعتراف نشدم دستور دادند که
مریم را به بالا بکشند. من تنها
صدای نالدهای مریم را که چون
دهاشت، با دستمال بسته بود،
پرسیدند. فرا به دستید
پس از کودتای امریکایی -
انگلیس ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پرندان
افتاده و مانند یارانش ۲۵ سال در
همه زندان‌های مخوف شاه
معدون مردانه پس از داری کرد،
شاهد زنده این شکنجه‌هاست.
البته نه شاهد دیدار، بلکه خود او
زی این شکنجه‌ها قرار گرفته
است. این اسری خوب بوده ایران

به سلول خود برگرداندند.
برای اینکه از حقیقت گوئی دور نشوم، پس از چند هفته که بازی ها بطور کلی در بخش عمومی اش پایابان یافته بود، بازار پرس ساقی استقیم من آقای «مجتبی» به من گفت که این جریان سوم یک صحنه سازی بود و نالدهار راهنم «یاسر» با صدای زنانه و مبهم می کرده است. پس از دیدار کوتاهی که با همسر میرم داشتم او می این حقیقت را تأیید کرد و گفت او را بالا نکشیدند، تنها پنج دقیقه نگه داشت.

سچهارم فلچ شده بود تا آنچه که نسی توانت با آن غذا بخور.
مرا مسلماً به علت آنکه دیگر جان رایم باقی شانده بود از این شکنجه معاف داشتند.
نوع دوم شکنجه روحی بود. این نوع شکنجه که در مورد من عمل شد، از همه شکنجه های دیگر در دناتکر بود. این شکنجه چگونه بود؟
پس از اینکه آقایان از تحمیل اترافات به من با شکنجه ها و با هدفی که در بالا شرحش را دادم، نالید شدند، ۲۰ بار مرا زیر این آئینه شدند. همان ساعت آن

عمادالدین باقی:

سعید اسلامی به دست خود، سعیدی
سیرجانی را به قتل رساند



در زندان به عهده گرفته است.
هرچند سرنوشت این ۳ متمم که در مصالحه‌ای تلویزیونی هم شرکت کردند تاکنون ناعلمون مانده اما تقویت موضوع از طریق نوشته سیرجانی معنای ویژه‌ای دارد و علاوه بر احسان نیاز به جلب اعتماد و تقویت خبر اعترافات این ۳ متمم، سیرجانی هم اجمالاً از پاره‌ای از جزئیات موضوع اطلاع یافته و اسراری را که نباید، دریافت است.
فشار مجامعت جهانی حقوق پسر هر روز افزایش یافت... سیرجانی به خاندانی در شمال شهر منتقل و در آنجا محبوس می‌شود تا با تصویربرداری... چنین نسایش داده شود که سیرجانی در شرایط آزادتری در شمال شهر سخن می‌کوید... توسط روزنامه جمهوری اسلامی یک مصاحبه تنظیم شده با سیرجانی چاپ می‌شود زیرا کیهان طرف منازعه او بوده و مصاحبه فقط در روزنامه خواهرخوانده انعکاس می‌باید... هیچ کس خبر سکته قلیانی را باور نکرد. رسانه‌های خارجی، مجامعت حقوق بشر، منتقدین داخل کشور مدعی بودند که سیرجانی علیرغم تایید پژشك قانونی به قتل رسیده است. موافقان داخلی هم با دیده تردید بدان خبر می‌نگریستند... موسسه کیهان چگونه به سپولت به آرشیو تمام نشريات مخالفان خارجندشين دسترسی دارد؟ آیا سایر روزنامه‌ها هم می‌توانند چنین منابعی داشته باشند و از گزند وزارت اطلاعات محفوظ باشند؟

حمله او باش به مراسم سخنرانی اصغر زاده

سخنران ابراهیم اصغرزاده و دکتر فیاض زاحد در رشت با حمله گرده رو
فشار به تشنج و درگیری کشیده شد. در این مراسم که توسط حزب
همستگی ایران اسلامی شاخه گلستان و تحت عنوان «جنبش داشجویی،
جامعه مدنی» پروگزار می‌شد، گروه کشیری از داشجویان گرد آمده
بودند. اما حمله عوامل چماقدار و درگیری با داشجویان موجب برهم
خوردن سخنرانی شد. به گزارش روزنامه‌ها، در این یورش اوپاش،
سختان و گزوه، از داشجویان مضر و شدند.

شورای نگهیان «قل» بی‌نامه سوم...

نیز پیش رو داریم که جریان های سخت علاقمند گشودن راه و تاویل های من عنده برای بلا موضوع ساختن صریح آن دسته از مواد قانونی اند که به آزادی ها و حقوق اساسی شهروندان دلالت می کند. بی شک باب کردن بدعتی که در موضوعی با مطلوبات ذهنی ما سازگاری می نساید، گشودن راه نامیمونی است که بعد نیست در موضوعی دیگر مطلوب ما

کروهیت مدیره کاتوں عالی سورای اس
نصویب برنامہ پنج سالہ
دولت فوریتی ندارد

تصویب برنامه پنج ساله
دولت فوریتی ندارد

برنامه پنج ساله دولت خاتمی،
ضوع بحث نشست اخیر سازمان
کارگر و هیئت مدیره کانون
شوراهای اسلامی کار بود.
کنندگان این نشست ضمن
نظر در باره جوانب منفی
مد پنج ساله دولت، تگرانی
داز تصویب این برنامه در
س شورای اسلامی را ابراز
ستند و از دولت خاتمی
ستند تصویب برنامه فوق را
مجلس آتی - مجلس ششم -
دول کند و از تصویب فوری آن
مجلس پنج ساله بپرهیزد.
شرکت کنندگان در این نشست
به چهارده ماده‌ای انتشار

صبح امروز: آقای هاشمی به مسئولیت خود در مورد قتل‌های زنجیره‌ای پاسخ گوید

همزمان با گستره افساگری علیه قتل های زنجیره ای آرام رام پای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری که به گفته اکبر نجیبی بیش از ۸۰ قتل سیاسی در دوران ریاست او اتفاق است، نیز به میان کشیده می شود. اصرار رفسنجانی برای همراهی در انتخابات و تضادی ریاست مجلس، از جمله لایلی است که می توان برای طرح نام او در ارتباط با قتل های زنجیره ای بروشمده. اکنون با تاییدن تنها اندکی نور در دستان پنهان شده در تاریکی رئیس جمهور سابق، بیش از ییش درستی حکم تاریخی دادگاه میکونوس آلمان، آشکاری شود. این دادگاه در میان عوامل اصلی قتل ها، از علی للاحیان نام برده بود که همدستی اش در قتل مخالفین اکنون یکر بر سر زبان هاست، از هاشمی رفسنجانی نام برده بود اکنون زمزمه های مستولیتش در این جنایات برخاسته است... در آن حکم، از کس دیگری نیز نام برده شده بود. ملی خامنه ای رهبر حکومت اسلامی. آیا سرانجام زمانی نام و هم در ارتباط با قتل مخالفین به میان خواهد آمد؟

مقاله روزنامه صبح امروز تحت عنوان «هاشمی رفسنجانی و قتل های زنجیره ای»، به قام علی پور خبری برآمده مستولیت رئیس جمهور سابق در این ماجرا را در بی می خواند:

«جزیره‌یان هایی» [که] می‌خواهند از این [قضیه قتل‌های زنجیری دای] سواستفاده بکنند قضیه را به دست آنداخته‌اند... اگر کسانی اتفاقاً می‌خواهند این مساله حل شود یک مدت رو شیاست بازی از روی این پرونده دور کنند و طبیعی عمل کنند».

گمان می‌کنید گوینده سخنان بالا کیست؟ سخنان فوق بدیدترین اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی در مورد قتل‌های یاسی سال گذشته است که همزمان با اعلام آمادگی برای حضور در عرصه انتخابات مجلس ششم ایام داشته‌اند. در اینجا با ختان اخیر جناب ایشان ذکر چند مورد ضروری به نظر می‌رسد:

- ۱- منظور ایشان از «جزیره‌یان هایی» که در قضیه دست آنداز این اندازت تراز آن سواستفاده کنند» چه کسانی هستند؟ تا آن‌جا که من مطلع این اتهامی است که از سوی حامیان سعید امامی به روه‌ها و طبیوعات دوم خدادی نسبت داده می‌شود: «چطور شما ن پرونده‌ای را که این قدر حساس است داده‌اید دست پچه‌های پاپ... مستانفانه باز پرونده دست همان جنابی افتاده که می‌خواهند کشف شود این مساله».(۱) جای تعجب است چگونه خصیصی مثل ایشان بازگوکننده سخنان امثال حسینیان شده است.
- ۲- ایشان در ادامه مصاحبه خود می‌فرمایند: «رسیدن به نتایج چند تا قاتل برای انقلاب ما چندان کار دشواری نیست».

همان نسی کنم آقای هاشمی چندان عزمی برای پیگیری و

مشیشیده یا قتل های سیاسی داشته باشد. در نظر ایشان دادمه کار «چند تا قاتل» محدود می شود و با مجازات آنها کار خاتمه یافته است. به راستی اگر این کار چندان مشکل نیست چرا ایشان در میان ریاست جمهوری ایشان به قتل های مشکوکی که هر از چندی خیلی داد رسیدگی نکرد؟ البته به نظر آقای هاشمی در این زمینه باید «فتیله» را پایین کشید تا «چواغی» روشن نشود.

۳- ح: با: د و خ داده به خاطر احتراص که باء، آقاء، هاشم.

بریون مگرینه با سخاوت و خوش بختی خود را برای این مسئلی
مثل است تا به حال در مورد مستولیت او در قبال قضیه قتل ها
اکتف بوده است. اما بد نیست خود آقای هاشمی به پرسش هایی که
درست است ذهن مردم را به خود مشغول کرده پاسخ گوید تا هم
زار شیعات از بین برود و هم «جزیره کانی» که می خواهد از قضیه
و استفاده کند» روسیه گردد. پرسش هایی نظری علت معرفی آقای
چیان به عنوان وزیر اطلاعات علیرغم برخی تذکارات پیرامون
شخصیت وی. یا توضیح در مورد چگونگی نظار شان بر عملکرد
ستگاه اطلاعاتی کشور و اینکه آیا آقای هاشمی از تنکر و
سلکرکد سعید امامی اطلاع داشتند که مقدرات اینست کشور را هافت
اله بدل دست او سپرند؟ البته شاید آقای هاشمی بگویند از
سلکرکد زیر مجموعه وزارت اطلاعات بی خبر بوده است ولی
شان لاقل بگویند مشغول چه کار مهتری بوده اند؟

ن لاقل بکویند مشغول چد کار مهمتری بوده اند

دانشجویان در بینند و مهاجمین ستایش می‌شوند

شدند بلکه به قهرمان تبدیل شدند. آنان اغتشاش افربینان را تحسین کردند چون نمی خواستند، اغتشاش فروکش کرد قصد آسان شیخ بود.
جلسه دادگاه شما چگونه و چه مدت تشکیل شد؟
من بدون وکیل بودم و تنها ۱۰ دقیقه جلسه دادگاه من طول کشید و من هیچ حرفی در دادگاه نزد نه ز هیات منصفه خیری بود و نه دفاع اول و نه دفاع آخر و با همین محکمه مرا به عسال زندان محکوم کردند.
آیا خواسته‌ای از مسئولان و متخصصان دارید که قابل طرح باشد؟
از مسئولان می خواهم کسانی

اکه تیراندازی کردن و بچدها را
تکتک زدن و آشوب آفریدن بد
سایی میز محاکمه بکشند و
اس خواهم چهت آزادی سایر
وستان که در زندان به سر
ی برند کاری انجام دهند.
نمچین از تمام افراد، گروها،
طبیعت و اتفکار عمومی که
الله را پی‌گیری کردن و از
انشجویان حمایت به عمل
وردن، از طرف خود و سایر
وستان سپاسگزارم.

در یک دادگاه ۱۰ دقیقه‌ای، بدون وکیل مدافعان و بدون خودداری از حق دفاع مرا به شش سال زندان محکوم شدم

روز زندان بودم، ۱۰۸ روز انفرادی و بقیه با زندانیان مواد مخدر، قاتلان که با روحیه ما سازگار نبود. ولی برخوردهای آنان مخصوصاً اطلاعات تمام‌خوب بود و شکنجه فیزیکی هم نشیدم ولی در حوزه قضایی برخوردها خلیل بد بود. ماجراهی قفسن چیست؟ آیا زندان شما شبیه قفس بود؟ قفس مربوط به دو قسمت بود یکی راهروی زندان که بچه‌ها را جمع می‌کردند برای رفتن به دادگاه و دیگری آتاق انتظار دادگاه که با میله و نرده محصور شده بود زندانیان به این دو قسمت اصطلاحاً قفس می‌گفتند. آیا در زندان، از کسانی که وارد دانشگاه شده بودند و به دانشجویان حمله و تیراندازی کردند بودند هم کسی بود؟ خیر فقط کتک خورددها در زندان بودند کسانی که کتک زده بودند، به خواهگاه دختران بورش بسردند، با باشوم و سنگ دانشجویان را زندن نه تنها جنس

مباره خود، مصاحبه‌ای با «خالی ایلی زاده آذر» داشت‌جوی ظاهرات داشت‌جویان در این شهر دستگیر شد، صورت داده است. علی زاده آذر، ابتدا به ۶ مال زندان محکوم شد و سپس برنه گردید. او در این مصاحبه، «ایلیاسی» داشت‌جویان در بین در بریز خبر داده و از افکار عمومی رای نجات آنان یاری طلبیده است. این مصاحبه را در زیر خوانید:

فتوح: در زندان با شما همگونه برخورد شد و عمدتاً سواسته آنان از شما و مستانتان چه بود؟ علی زاده آذر: پرسش‌ها بیشتر در مساله ۲۰ تیر بود و این که با ما در تشنج و یا کشتن یک بیویجی نقش داشته‌ایم یا با خارج کشور در تماش هستیم یا نه؟ بند روز زندان بودید و آیا مکنجه هم شدید؟

اهدای مdal کارل فون اوسيتسکی
به سیمین بهبهانی و منیره برادران



سیمین بهبهانی سخنرانی کرد.
او در سخنرانی خود از قربانیان
قتل های زنجیره ای تجلیل کرد.
سیمین بهبهانی در آخر صحبت
خود گفت که من و میت خواهم
کرد که بر گور من این مдал را
حک کنند تا بدانند ما برای حقوق
بشر جنگیدیم.

منیره برادران در صحبت های
خود با تشریح فضای زندان
حضار را بشدت تحت تاثیر قرار
داد. او گفت که انتیام زخمها آسان
نیست. بیانید نگذاریم تا
زخم های جدیدی ایجاد شود.
اهدای این مdal در رسانه های
همگانی امانت یازتاب یافت.

قصاصی و نادیده گرفتن نقض
حقوق بشر در ایران ارزیابی
کرد. نماینده انجمن جهانی قلم
پن در آلمان طی صحبت هایی
از این دو تن بخطار آنکه به
اسکوت تن ندادند، تقدیر کرد. او
نهنس به نقش انجمن قلم در دفاع
ز حقوق بشر در مقاطع مختلف
جهان پرداخت. خانم مژیکی از
اعمال دفاع از حقوق مهاجرین
غیر قانونی در فرانسه که سال
گذشت از طرف جامعه حقوق بشر
رگزییده شده بود نیز در این
براسم صحبت هایی ایجاد کرد.
بس از اهدای مdal که با تشویق
راوان حضار روپرورد، خانم

نديداهای ششمین دوره مجلس پایان یافت
هزار نفر کاندیدا شدند
کاندیدای نایاندگی عبدالله
وری است. در حاليکه
حافظه کاران ثبت نام او را
نیز قانونی می دانند، وزارت
شور کاندید شدن او را قانونی
خوانده است. پیش از این دادگاه
بیزه روحانیت اعلام کرده بود
عبدالله نوری اجازه شرکت در
انتخابات را ندارد. هاشمی
فسنجانی از دیگر کاندیداهای
حث برانگیز مجلس ششم است.
هزارش ها حاکی از این است که
اطق نوری رئیس فعلی مجلس و

جهلت ثبت نام کاندیداهای ششمین دوره مجلس پایان یافت

شش هزار نفر کاندیدا شدند

• **قاطلین هم کاندیدای مجلس هستند!**
با پایان مهلت ثبت نام کاندیداهای ششین دوره مجلس شورای اسلامی در روز جمعه گذشت، شورای نگهبان بررسی «اصلاحات» کاندیداهای آغاز کرد. نتیجه بررسی‌های شورای نگهبان در روز پیش از انتخابات اعلام خواهد شد.
بیش از ۶۰۰۰ نفر برای ششین دوره مجلس ثبت نام کرد و داندک هزار نفر آنان از تهران

«فتح» به جای «خرداد» منتشر شد



از روز شنبه ۲۰ آذر ماه، روزنامه فتح، انتشار خود را به جای روزنامه خرد آغاز کرد. این روزنامه به صاحب‌امتیازی و مدیر مسئولی «یدالله اسلامی» که عضو مجمع نمایندگان ادوار مجلس است و سردبیری علی حکمت، سردبیر روزنامه توقيف شده خرد، منتشر می‌شود. علی حکمت در مورد انتشار این روزنامه تازه گفت: چون روزنامه فتح توسط تحریریه روزنامه خرد منتشر می‌شود لذا تفاوت زیادی با خرد نخواهد داشت. کادر فنی، اداری و تحریریه خرد بطرور کامل در روزنامه فتح مشغول به کار شدند.

هفته گذشته روزنامه بیان نیز انتشار خود را آغاز کرد. مدیر مسئول این روزنامه علی اکبر محتشمی است و دفتر آن در محل دفتر سایق روزنامه سلام قرار دارد. بخشی از کارکنان سلام با روزنامه بیان همکاری می‌کنند. بیان در سرمهاله نخستین شماره خود نوشت: «هر چند ما در جای سلام هستیم، اما سلام نیستیم و با آن متفاوتیم». اطلاع رسانی و پریزی از قربانی کردن نیازهای خبری مردم در پای مصالح و منافق جناحی، از جمله اهداف این روزنامه اعلام شده است. 

وحدت از راه استپیلا

احمد شیرزاد - روزنامه صبح امروز

این روزها سران رژیم، سالگرد «وحدت» حوزه و دانشگاه راگرامی می‌دارند و مبلغین این وحدت، در وصف آن سخن می‌گویند. در این ارتباط مقاله‌ای را از روزنامه صبح امروز انتخاب کرده‌ایم که با اندکی تلخیص می‌خوایند:

قریب به ده از شعار وحدت حوزه و دانشگاه می‌گذرد. آنچه در این مدت از این شعار نصیب دانشگاه شده است عمدتاً حضور استیلاج‌جویانه پاره‌ای نهادهای روحانی با اختیارات گسترده ممیزی - فرهنگی بوده است. دانشگاهی و روحانی به عنوان عناصر اندیشه‌مند جانعه تنها از یک طریق می‌توانند به وحدتی پایدار و یا حداقل ارتباطی منطقی با یکدیگر دست یابند و آن مبادله آرا یا محوریت اندیشه است.

در طی این سالیان، چندان خبری از حضور دانشگاهیان در حوزه‌های علوم دینی به گوش نرسیده است. بدجرات می‌توان گفت حتی یک بند قانونی وجود ندارد که حوزه را مجبور کرده باشد در جایی از حضور و تخصص دانشگاهیان استفاده کند. گویا این اصل مسلم پذیرفته شده است که متولیان فرهنگی بالغ این مرآک، خود باید بینند که در کجا و کی از متخصصین دانشگاهی دعوت کنند و یا در دستگاه آموزشی و فکری - فرهنگی خود، نظام‌های مناسب وضع کنند. اما بر عکس در همین مدت آین‌نامدها و مصوبه‌های مکرر شورای عالی انقلاب فرهنگی و دیگر مراجع مریوطه، دانشگاه‌ها را ملزم به استقرار و تبعیت از پاره‌ای نهادهای مستتب به حوزه کرده است که بدون شک حتی اگر نیت و برنامه‌آفرینی هم صحیح بوده باشد در عرصه عمل جز اتفاق و دوری دانشگاهیان از حوزه نتیجه‌گار در بر نداشته است. در این مقال کوتاه مجال بررسی گسترده این آین‌نامدها نیست. اما بد عنوان مثال بد نیست بدانید که بنا به بعضی دستورالعمل‌ها، کلیه امور فرهنگی دانشگاه‌ها باید زیر نظر نهادهای نسیندگی در دانشگاه‌ها قرار گیرد و از آنجاکه طبق معمول مفسر کلیه قوانین نیز خود آفرینی هستند، این حوزه نظارتی - دخالتی انقدر گسترده می‌شود که حتی به عنوان مثال اداره بر نهادهای مسجدی که در محوطه مسکونی استادان دانشگاه

بنابراین، این مقاله در بررسی این اندیشه‌ها و آنچه که از آنها ناشایستگی نشانه دارد، تلاش شده است تا این اندیشه‌ها را در سایر اندیشه‌های اسلامی مورد بررسی قرار داده و آنها را در این اندیشه‌ها درکشیده باشند. این اندیشه‌ها در این مقاله به عنوان اندیشه‌های اسلامی معرفتی مورد بررسی قرار گرفته اند.

با کمک های مالی خود
ما در در پیشبرد و ظایف ملی و
جمهور اتکمانز بار دهد!

فلسفه سیاسی «جون رولز»

اسفندیار طبری

شرایطی، حامل «جادر نا آگاهی» هستند: هیچ کس از جایگاه طبقه و شرایط خودش در جامعه اطلاعی ندارد. اصول عدالت در چنین شرایطی قابل تعیین است که در آن حق نشانها و تصادفات طبیعی فردی مثل عقب افتادگی یا باهوشی موجب ضرر یا برتری و در نتیجه عدم برابری نخواهد بود. بر اساس این چادر نا آگاهی در «جایگاه نخستین» «حداقل آزادی برای همه افراد فراموشی باشد؛ آزادی اندیشه، مذهب، آداب و معاشرت، انتخاب شغل و غیره. ممکن است برای خیلی ها، که به افکار مارکس مستصل هستند، این افکار رونوایده آیینست و عجیب به نظر بیاید. رولو در تصویرش از «جایگاه نخستین»، برخلاف مارکس به ایزار سولید و تصاصب آن بطور عمدۀ توجه ندارد و طبیعتاً منتظر او از برابری و عدالت تنها مفهومی اقتصادی نیست، بلکه بیش از همه پایه اخلاقی دارد و به این دلیل مسئله دمکراسی و آزادی از اولویت خاصی برخوردار است. تئوری «عدالت اجتماعی منصفانه» به مفهوم تساوی بین انصاف و عدالت نیست، بلکه به این مفهوم است که از شرایط منصفانه (جادر نا آگاهی!) بتوان به یک «جامعه نیک بسامان» Ordered (Well - Society) رسید. جامعه نیک بسامان مدلی رنالیستی از عدالت اجتماعی منصفانه است که افراد اخلاقی آن آزاد و تساوی هستند و قوانین جامعه تحت کنترل عمومیت می باشد.

ایدای که رولز از «جایگاه نخستین» دارد بخوبی در ارتباط با جوامع آمریکایی و اروپایی کنونی قابل تصور است. این ایده مثلاً در جامعه‌ای مثل ایران دشواری‌های دیگری دارد که از آن یک ایده «سیار متواضعانه» می‌سازد. در ایران پارلمان وجود دارد اما سیستم حکومتی، تکوکاریک باقی مانده است. سیستم پارلیمنتی و ولی فقیه (با اختیارات حکومتی) دو دید کامال متناقض از یک سیستم حکومتی است که نهایتاً به نفع یکی از آن‌ها پایان خواهد یافت. بر همین اساس تا وقتی که ولی فقیه با «چنین کیفیتی» در «حکومت» حضور دارد، تصور هر نوع دمکراسی حتی به شکل نسبی آن ممکن نخواهد بود. با این همه دعوای نیروها با انکار سیاسی نباید در «محو» سیستم ولایت فقیه پاشد، بلکه در «محدود سازی میدان اثر آن»، مسهمترین ایده یک «جایگاه نخستین» برای ایران، وجود یک پارلمان قوی و خودنمختار برای کشور است، که «خود بخود به مفهوم محو قدرت و نفوذ سیاسی» ولایت فقیه می‌باشد.

آزادی و دمکراسی برای هر فرد در جامعه چه کارگر یا سرمایه‌دار، موافق یا مخالف، شرط اساسی عدالت اجتماعی است.

در این سیستم، تهی نظم و قانونی عادلانه است که با توافق منصفانه افراد جامعه همراه باشد که نهایتاً توسط بنیادهای اجتماعی به عهده اجرا گذاشته شود. در سیستم عدالت اجتماعی منصفان، فرد به عنوان یک «فرد اخلاقی» شناخته می‌شود. یک فرد اخلاقی، فردی است که اولاً «غیربُرتا» در کی از عدالت دارد (غیربُرت عدالت)، ثانیاً فردی عقلانی است، یعنی می‌تواند به شکل انتزاعی با سائل بربخورد کند (عقلانیت) و ثالثاً در رسیدن به حدف کوشانش باشد (موقیت)، همه افراد جامعه دارای چنین توانایی هایی هستند. مدلی که روزانه از عدالت اجتماعی منصفانه ارائه می‌دهد، مدل یک جامعه‌ای است که دارای این خصوصیات است: کنترل و نگهداری جامعه از طریق درک عادلانه عمومی، افراد اخلاقی آزاد و مساوی به عنوان اعضای جامعه، ثبات و پایداری بر اساس عدالت غیربُرتانه. در چنین جامعه‌ای دمکراسی و آزادی افراد، پدیده تضمین شده‌ای است.

برای رسیدن به چنین جامعه‌ای روزانه پیشنهاد یک نوع آزمایش فکری را ارائه می‌دهد: ایده «جاگانه نخستین».

«جاگانه نخستین» شرایطی است که در آن یک شرایط حداقل برای زندگی معمولی افراد جامعه قابل تصور است. در این شرایط باید کالاهای و موارد اساسی برای همه افراد فراهم باشند. «جاگانه نخستین» مدل یک نو اخلاقی اجتماعی و سیاسی است که مهمترین خصلت آن غیر وابستگی است: برای این‌که افراد به یک توافق اجتماعی برسند، باید در وهله نخست بطور غیربُرتی و بدون وابستگی حزبی به توافق برسند، زیرا این افراد همچون افرادی اخلاقی عمل می‌کنند (عدالت غیربُرتی، عقلانیت و موقیت). اما چگونه چنین چیزی ممکن است؟ واقعیت این است که افراد و احزاب در چنین

فرشده، پر محظا و دشوار که در هر گوش آن
دانشی نهفته است.

پرسش: اگر از شما اراوه یک توری درباره
عدالت خواسته شود، چه نکته یا نکاتی در این
رابطه برای شما محوری خواهد بود؟
در اینجا چند پاسخ ممکن عنوان می‌شود:
- هر کسی به اندازه، لیاقت (افلاطون)
- تاریخ عادل است، یعنی سرو شست بهترین
قاضی برای عدالت است! (Hegel)
- امکانات و شانس مساوی برای همه
- کار بدو استقرار و ...

روزان می‌گوید: «عدالت اولین نیک نهاد
بنیادهای اجتماعی است». او در اینجا از یک
دیدگار اخلاقی به عدالت می‌نگرد و به تمایز دو
مفهوم متناوی در اخلاق می‌پردازد: اخلاق بـه
معنای «مورال» که مربوط به روابط متقابل بین
بنیادهای اجتماعی دون جانعه می‌باشد، و
اخلاق بـه مفهوم «اتیک» که منعکس کـشته
روابط و رفتارها بین افراد درون یا بیرون از
جامعه است. با این تعبیر، توری عدالت مربوط
به «مورال» و بنیادهای اجتماعی است. بدینهی
است «مورال» و «اتیک» نـی تواند از یکدیگر
 جدا بشـد و تاثیر متقابل بـین این دو همواره
جاری است. با وجود این، توجه اساسی روزان در
ارتباط با یک توری عدالت، به بنیادهای
اجتماعی یک جانعه کـه ساخت اساسی آن
جامعه را تعین می‌کـند، می‌باشد. مـنظور روزان
از بنیادهای اجتماعی «Institution»،
سیستم‌های نظام عمومی، ادارات و مقامهایی با
وظایف، حقوق، قدرت و نفوذ مشخص اجتماعی
می‌باشد.

تشوری عدالت روزان، عدالت اجتماعی
منصفانه ثام دارد. در این سیستم هر کسی به
اندازه لیاقت، کار، کوشش و هوش اش می‌تواند
کسب موقیت کـند. پـر خلاف فلسفه سیاسی
مارکسیسم - لینینیستی، در فلسفه سیاسی روزان،

کاپیتالیستی آزادانه و بدون کنترل بر اساس عرضه و تقاضا رشد می‌کند؛ «کاپیتالیسم سالم» که به رفاه اجتماعی نیز توجه دارد؛ «سوسیالیسم دولتی» با اقتصاد دیکته‌ای از طرف دولت؛ «دموکراسی با حق تصاحب» و «سوسیالیسم لیبرال».

سه نوع اول در معیارهای عدالت اجتماعی او نمی‌گنجد و تنها در یک سیستم دمکرات با حق تصاحب و یا یک نوع سوسیالیسم یا دموکراسی لیبرال می‌توان از عدالت اجتماعی سخن به میان اورده.

فلسفه سیاسی رولز، عدالت اجتماعی در یک سیستم لیبرالیسم سیاسی است. پس از انتشار کتابش «یک تئوری عدالت اجتماعی» در ایالات متحده، سیل انتقاد چپ‌ها و راست‌های کمونیtar، که در هواداری از کلیت اجتماعی معتقد به رشد آزادانه سرمایه و سرمایه‌داری، بدون هیچ‌گونه محدودیتی هستند، جاری شد بطوری که محدوده این انتقادات حتی به پارلیمان آمریکا و در انتخابات ریاست جمهوری کشیده شد. می‌توان از رونالد ریگان به عنوان نماینده جناح راست و کلیتون نماینده جناح چپ کمونیتاریست‌ها نام برد. از سوی دیگر انتقادات سازنده بسیاری از فیلسوفان و جامعه‌شناسان در تمام دنیا (همه‌ترین آنها عبارت‌ماس، جامعه‌شناس معاصر آلمانی)، رولز را بران داشت که در اثر بعدی اش، لیبرالیسم سیاسی «Political Liberalism» تا اندازه‌ای مشکلات، انتقادات و دیدگاه‌های قدیمی موجود در اثر اول را اصلاح کند.

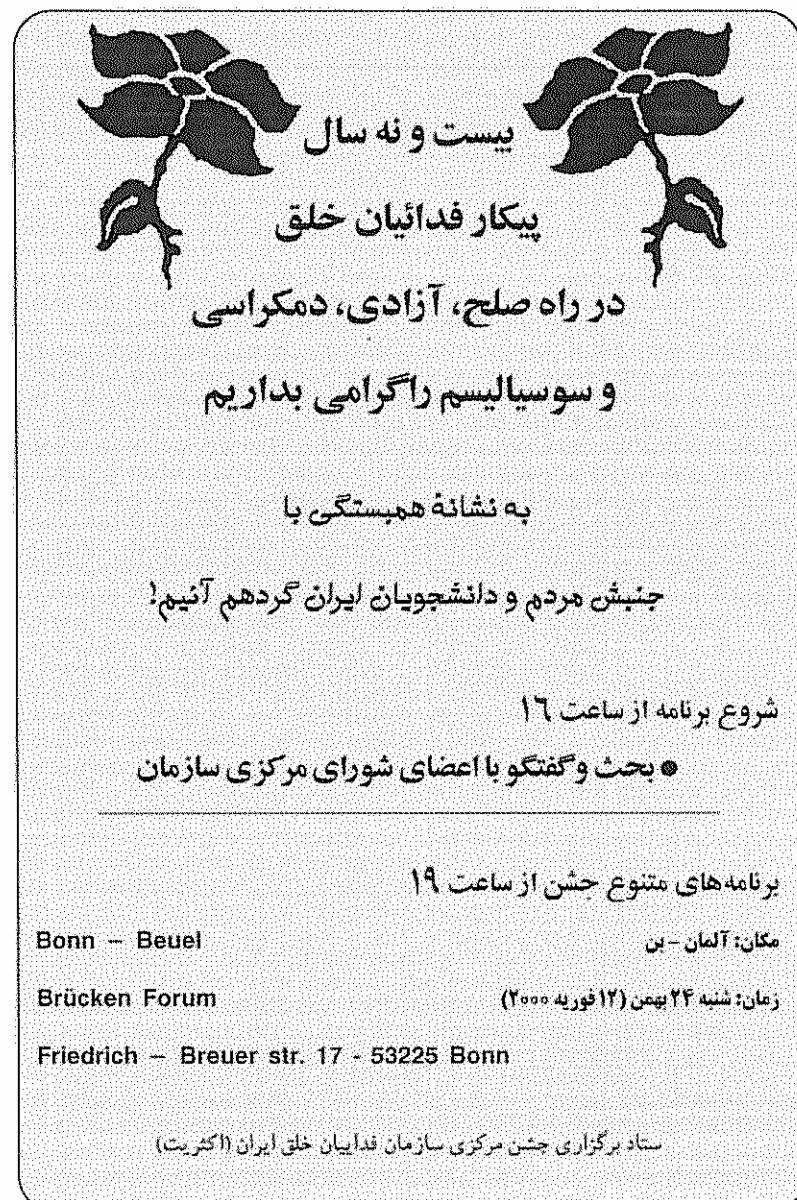
اشارة به این نکته ضروری است که بازگویی فلسفه سیاسی رولز در یک مقاله مختصر، کار سیار دشواری است که احتمالاً خالی از سوتقاض نخواهد بود. اثر پرچم و ۵۰۰ صفحه‌ای او «لیبرالیسم سیاسی» اثری است

جون رولز^۱، فیلسوف معاصر آمریکایی با انتشار کتابش *A Theory of Justice* در سال ۱۹۷۱ شمسی بعنوان یکی از مهمترین متکران سیاسی چپ مدرن شناخته می‌شود. تئوری او به فلسفه سیاسی روح و جان دوباره‌ای داد که مرکز بحث و جدل فلسفه‌دان و متکران سیاسی تمام دنیا می‌باشد.

در جامعه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا، که کنسنترهای بزرگ کاپیتالیستی، موجودیت خود را بعنوان ابرقدرت‌های اقتصادی حاکم بر جامعه در تناقض با هر شکلی از عدالت اجتماعی می‌بینند، رولز خود را با این اندیشه مشغول می‌کند. که چگونه و تا چه حد انسان‌ها در چنین جامعه‌ای قابل نجات هستند، بطوری که زندگی شان، ارزش واقعی زندگی‌کردن را داشته باشند. پرسش، این است که آیا یک اتوپی واقع‌گرایانه و قابل کاربریست برای ایجاد یک چنین نظام اجتماعی امکان‌پذیر است. از نظر او واقعیت پیوستن یک نوع عدالت اجتماعی منصفانه می‌تواند پاسخی به این پرسش باشد. به عبارت دیگر تا وقتی که بتوانیم با دلایل قانونی کنندۀ اثبات کنیم که عدالت اجتماعی در میان انسان‌ها امکان‌پذیر است، برای رسیدن به آن نیز تلاش خواهیم کرد. تئوری عدالت اجتماعی رولز، یک تئوری اقلابی اجتماعی نیست، بلکه شکلی از رفرم برای جوامع کاپیتالیستی و سوپراسالیستی دولتی (غیر دمکراتی) را در بر دارد. بطوری که ب. کیوان در مقاله «خلاصت‌نمایی فلسفه سیاسی چپ امروز» در کار ۲۰ و ۲۲۱ به درستی اشاره می‌کند، بشریت در سطح ملی و بین‌المللی دو راه پیشتر ندارد: یا تن‌دادن به تشدید فقر و استثمار و زندگی فلاکتبار توده‌ای و یا علیرغم دشواری‌ها به مدد عقلانیتی دمکراتیک جستن یکی زندگی انسانی ارزشمند و صلح آمیز در این میان دیدگاه‌های اتوپیستی غیر واقع‌گرایانه، همانطور که تعریف جنبش چپ در ایران و در کشورهای دیگر در دوران معاصر اشکارا نشان می‌دهد، می‌توانند پیامدهای سنگین و جیران‌نایزیری داشته باشند.

رولز تئوری عدالت اجتماعية خودش را تنها محدود به امریکا و اروپا نمی‌داند، بلکه معتقد است که این تئوری می‌تواند کاربرد جهانی داشته باشد، هرچند که از نظر نگارنده کاربرد آن در شرایط کشوری مانند ایران، احتیاج به دگرگوینی‌هایی در سطوح مختلف دارد. او پنج سیستم رژیمی مختلف را از یکدیگر متمایز می‌کند:

- ۱- کاپیتالیسم آزاد، که بر مبنای آن اقتصاد



سازمان ها و انتخابات مجلس ششم

مرتضی - ونگوور

۲- در بند چهارم می خوانیم: «سیاست ما در انتخابات در سمت تقویت جنبش دوم خرداد و پیروزی نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب در آن است. در این چارچوب ما از نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب حکومت، بخش پیشو و «خط امامی» ها حمایت خواهیم کرد». با توجه به اینکه در بخش نخست همین بند بطور صریح اعلام شده که «سیاست ما در انتخابات در سمت تقویت جنبش دوم خرداد» و تلاش ما در جهت پیروزی نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب» خواهد بود، بهنظر می رسد قید «بخش پیشو» و «خط امامی»ها بی مورد است. چرا که اگر همه خط امامی ها پیشو، آزادیخواه و اصلاح طلب پاشند که بهر حال شامل این حمایت خواهند بود. اما اگر عناصری از پیروان خط امامی در چارچوب معیار «آزادیخواه و اصلاح طلبی» نگنجند، یقیناً مورد حمایت ما قرار نمی گیرند. بطور مشاهد اگر آقای رفستجانی با تمام بسیاریها و سیاستهای چند پیوپوش تحت عنوان «پیشو و خط امامی» وارد گود رقاتیهای انتخاباتی شود، سیاست ما چه خواهد بود؟

۳- و بالاخره اینکه تصمیمات شورا پنهانگام اعلام و درج در نشریه کار، با عنوانی نامرتبه به انتخابات آینده و شکلی نامتناسب با اهیت مواضع اتخاذ شده از سوی شورای مرکزی انعکاس یافت.

در پایان امید است، با برخورد فعال صاحب نظران پیرون و درون سازمان به جنبه های مختلف این تصمیمات، زوایای مسبهم ان روشنتر و با عنایت رفقای دست اندر کار نشریه اهمیت آن در حد واقعی نایانده شود.

یکی از هنرهای احزاب و سازمان‌های سیاسی، موضعگیری سریع و صریح در مورد حوادث حساس جامعه است“ که از سوی امکان تاثیرگذاری برروی روند مورد نظر را افزایش می‌دهد و از دیگر سو، فرصتی برای مستندین درون و بیرون خوبی فراهم می‌آورد تا نکات مشتمل و منفی سیاست اتخاذ شده را به موقع به قدر بکشند.

اعلام نظر اخیر شورای مرکزی سازمان ما حول مستهل انتخابات که در کار شماره ۲۲۰۰ منعکس شده نمایانگر احساس مسئولیت جدی هیری سازمان در قبال انتخابات ششم مجلس بر پنهان ماه آینده و نتایج حاصله از آن است.

صرف اتخاذ موضع سازمان - جدا از حد تاثیرگذاری سا در روند انتخابات - بیانگر رس آموزی منطقی ماز تجربه دوم خردداد است. آزمونی که اکثریت قاطعه مردم ایران با جانبداری از برنامه‌های انتخاباتی محمد خاتمی، از یک طرف همبسته مخالفت خود را با گاندیدایی برگزیده ولی فقیه اعلام و از طرف دیگر سهر خود را در تاثیرگذاری بر روند حولات جامعه کوییدند.

با توجه به مبارزه تنگاتنگی که بین طرفداران جامعه مدنی (اکثریت کارگران و حمتكشان، دانشجویان، زنان، روزنامه‌نگاران و نویسنگان آزادیخواه، نیروهای ملی و کلیه عاملان اصلاح طلبی) و اقتدارگرایان مسامیت خواه درگرفته، جانبداری از سیاستی که شواند توانزن قدرت را در مرکز قانونگذاری به غفع نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب بهم بزنند، قیقنا در درازمدت به تقویت جنبش دمکراتیک مردم ایران کمک خواهد کرد. چراکه در شرایط سیاستی و در غیاب احزاب و سازمان‌های

کنگره، خط‌مشی، کنگره... (۲)

مشارکت اجتماعی، هشدار مدنی

علیه نابرابری و استبداد و تخریب طبیعت در ایران!

پرویز

را امری ضد انسانی دانسته و از آزادی همه آنها دفاع می‌کنیم.
ما همچنان آزار و تحریر همچنین گرایان را یک امر ضد انسانی می‌دانیم و از آزادی تصمیم‌گیری افراد در امر انتخاب علاقه‌مندی و تعیین آن قاعی کنیم.
۱۱ - سازمان ما برای انحلال کلیه دستگاهها و بنیادهای ترور، سرکوب، وحشت، چپاول و زور تلاش می‌کنند.
۱۲ - محاکمه عادلانه آمران و مجریان قتل و شکجه و رویدن افراد و شهروندان زیر نظر هیئت‌های ملی و بین‌المللی خواست فوری ماست.
۱۳ - ما مخالف هرگونه سوءاستفاده و فرسایش طبیعت به وسیله انسان و ناتوانی منابع طبیعی هستیم. استفاده از منابع زیرزمینی باید پوکهای باشد که به نسل‌های آینده زیان نرسد. همچنین ما مخالف دایرکردن هرگونه نیروگاه هسته‌ای و تلاش در راه رسیدن به سلاح‌های هسته‌ای در ایران هستیم.
۱۴ - ما برای رسیدن به این خواستها بر استفاده از شیوه‌های کم ضرر مبارزه نظیر تظاهرات مردمی، مبارزه منفی، اعتراض، تحصن و جلوگیری از اتفاقات این‌گونه اینها را در طرف انتخابات هستگانی زیر نظر مجتمع بی‌طرف بین‌الملل تاکید می‌کنیم.
ما دفاع مردم در مقابل حملات رسمی و غیر رسمی ایشان و سرکوبگران حکومتی و غیر حکومتی را حق انسانی همه شهروندان ایرانی می‌دانیم.

دموکراسی و سیستم پلورالیستی و سلامت محیط زیست می‌دانم.
۳ - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه برگزاری جمهوری اسلامی که مانع عدم رسیدن به عدالت و دموکراسی و ایده‌های انسانی است، تلاش می‌کند.
۴ - برای رسیدن به عدالت و دموکراسی ترقی منطقی اراده همه مردم ایران لازمه پیکار است.

۵ - لغو فوری آپارتاید مذهبی از تار و پود سیستم سیاسی را امری فوری تلقی می‌کنیم.
۶ - مأکار، مسکن، نان، اموال و پهنهایت همگانی را امری فوری برای همه ایرانیان می‌دانیم.
۷ - ما در راه احتجاج کلیه حقوق از دست رفته کارگران، زحمکشان، ملیتها، زنان، جوانان و کوکان بطرور اخراج به فوریت مبارزه می‌کنیم.
۸ - سازمان ما مخالف سریخت هرگونه اعدام، شکجه و حذف فیزیکی و تحریر اعضا می‌رسیم می‌گردد. جامعه زخم خورده ایران بدون برداشتن موافع و مشارکت آگاهانه همه مردم به قید و شرط همه زندانیان سیاسی، آزادی همه سازمانهای سیاسی و عقیدتی، آزادی مطبوعات، بازگشت داوطلبانه و بدون قید و شرط آوارگان تلاش می‌کند.
۹ - سازمان ما در راه خواستهای زیر مبارزه کند. بازگشت داوطلبانه از نظر ما رفع همه موافع سیاسی و اجتماعی است که عامل تعیید یا همچو از طرف افراد بوده است.
۱۰ - سازمان ما جمهوری اسلامی را در کلیت آن مانع عدم رسیدن می‌باشد عدالت و

درخواست: طرح مذکور، طرحی است باز که مستلزم بحث‌های علاقمندان می‌باشد. کسانی هستند که ایده‌های همسو با این طرح را دارند. لذا همکاری در جهت افزودن و یا تدقیق بندگان طرح و پیوست دوستان پیشتری به طرح و تحکیم آن امری ضروری می‌باشد.

رضا جوشنی

سند «در راه ژرفش جنبش اصلاح طلبی در ارزش‌های اجتماعی پرای همراه و اهداف و مثابه یک سازمان تئیه شده در سازمان به کنگره، سازمان تئیه شده است، سیاست مستقیم در تولید و بازنگردی روندهای اصلاح طلبانه کشور و همسوی با روندهای اصلاح طلبانه کشور و تکرار آنها (بخوان اعمال خود) است. چنین سیاستی را می‌توان «سیاست مشارکت حق طلبانه و ساخته‌جوانه» دانست که از سیاست خاضعه و آمرانه متغیر است.

هرچند رشد ارتباطات تکنیکی و الکترونیکی، اشکال دیگر ولی کمتر موثر مشارکت سیاسی را امکان پذیر کرده است. اساس مشارکت سیاسی معرفی یک سیاست اساساً بزرگ در موضع مستقیم استوار است. کشش واکنش‌های اجتماعی را پایه ایجاد معاصر معاصر بودن هر جامعه و معاصر بودن هر فرد به میزان برخورداری و استفاده از آنها، به شمول حق مشارکت اجتماعی مورد سنجش قرار گرفتند. لذا می‌گردد حق مشارکت سیاسی در جامعه و تلاش برای تأمین آن نیز منبعث از «حقوق و وظایف شهری» خواهد بود، چنانچه سیاست را تدبیر و هر مهندسی و ساماندهی جامعه بدانیم. گرچه حقوق فردی و اجتماعی و سیاسی دستیابی به اهداف اندکی از اینها در جامعه و این امکانات پیشتری برای اینها و غلط و شداد سیاسی می‌گردد. و در حالیکه از واگرایی نیروهای درون جنبش اصلاح طلبی واقعه موجود ناخست و بیناک است، با نگاه همسایه ایانه در جستجوی رادکارها و رسانیدن به عدالت و دموکراسی پیشرفت منطقه تنهایاً با تغیرات در بافت و قرامین استبدادی حاکم بر جامعه در همه سطوح آن می‌گردد. جامعه زخم خورده ایران بدون برداشتن موافع و مشارکت آگاهانه همه مردم به قید و شرط همه زندانیان سیاسی، آزادی همه سازمانهای سیاسی و عقیدتی، آزادی مطبوعات، بازگشت داوطلبانه و بدون قید و شرط آوارگان تلاش می‌کند. رسیدن به اهداف اندکی از این قربانی داده و تیجه‌های از آن کسب نکند. به همین خاطر پیوست مردم ایران (اکثریت) وظیفه فوری و روز خود می‌دانند که در راه خواستهای زیر مبارزه کند. رسیدن به عدالت و دموکراسی و ترقی فرهنگ ایرانی از دست رفته اینها می‌گردد. و در صدد همسوی دستیابی به اهداف اندکی از اینها و نیروهای همچو اینهاست. بر حفظ اعتماد متقابل و گستردگی پایه اجتماعی جنبش پایی می‌شاره در نتیجه ثمرات آن را از آن خود می‌داند و در تیمار آن می‌کوشد. توجه به این نکات، هم در اتخاذ دقیق تر سیاست و تاکتیک‌های آن و هم در تعیین انتخاب جغرافی ای این را در جامعه خود که میزان حق بیان (حق فردی) و سیاستی می‌گردد. و بجز که یک حق سیاسی است، امکان پذیر نخواهد بود.

ما این درهم آیزی را در جامعه خود که دوره

گذار از آمریت و استبداد، و پرایزی جامعه مدنی را طی می‌کند، به وفور مشاهده می‌کنیم تا آنچه که طلب و اندام سرای استیضای یک حق میدان نیمه گشوده باشد، و سازمان‌ها، احزاب و نیروهای اندکی از اینها در میان دیده اند. تلاش مستمری را سامان دهیم تا این وضعیت باشد. و در اینجا پیکار می‌کند. زودتر پیکار می‌کند. توجه به این نکات، هم در اتخاذ دقیق تر سیاست و تاکتیک‌های آن و هم در تعیین انتخاب جغرافی ای این را در جامعه خود که میزان حق بیان (حق فردی) و سیاستی می‌گردد. و بجز که یک حق سیاسی است، امکان پذیر نخواهد بود.

ما این درهم آیزی را در جامعه خود که دوره

در کشور ماک میدان فعالیت سیاسی فقط برای شبه حزب‌های اسلامی و درون حکومتی گشوده است و برای نیروهای ملی - مذهبی، این میدان نیمه گشوده باشد، و سازمان‌ها، احزاب و نیروهای اندکی شده‌اند، ما مجبور هستیم پا به پای گشایش فضا و اوضاع سیاسی در کشور

تلاش می‌کنیم می‌شود و هم می‌کنیم

ساده شهروندی محتواهای سیاسی به خود

می‌گردد، پک که انداد سننی به خاطر فعلیش

یک اجتماعی و سخنرانی علمی و نظری می‌شود و تهاجم سیاسی قرار می‌گیرد. این بدان دلیل است

که تأمین طبیعی ترین حقوق انسانی در جامعه ما

با این در سیاست گزینه خود است. در این رابطه

سیاستی که در روندهای کاری کشور تنها

موضوعی نظرهای گر دارد و عملاً خود را از حضور،

مداخله و تاثیر در روندهای سخنران و معاف

می‌شود. به همان میزان که محروم کردن هر کس

از چنین حق سزاوار ملامت است و محکوم

شناخته می‌شود، هر کس هم خویشن را از

برخورداری چنین حق محروم کند نیز در خود

سرزنش است.

ایران مشارکت سیاسی، قلمداد می‌شود و حتی

یک اجتماعی و سخنرانی علمی و نظری می‌شود و تهاجم سیاسی قرار می‌گیرد. این بدان دلیل است

که تأمین طبیعی ترین حقوق انسانی در جامعه ما

است که تلاش یک سیاست می‌شود و بجز

سیاستی که در روندهای جاری کشور تنها

موضعی نظرهای گر دارد و عملاً خود را از حضور،

مداخله و تاثیر در روندهای سخنران و معاف

می‌شود. به همان میزان که محروم کردن هر کس

از چنین حق سزاوار ملامت است و محکوم

شناخته می‌شود، هر کس هم خویشن را از

برخورداری چنین حق محروم کند نیز در خود

سرزنش است.

ایران مشارکت سیاسی، قلمداد می‌شود و حتی

یک اجتماعی و سخنرانی علمی و نظری می‌شود و تهاجم سیاسی قرار می‌گیرد. این بدان دلیل است

که تأمین طبیعی ترین حقوق انسانی در جامعه ما

است که تلاش یک سیاست می‌شود و بجز

سیاستی که در روندهای جاری کشور تنها

موضعی نظرهای گر دارد و عملاً خود را از حضور،

مداخله و تاثیر در روندهای سخنران و معاف

می‌شود. به همان میزان که محروم کردن هر کس

از چنین حق سزاوار ملامت است و محکوم

شناخته می‌شود، هر کس هم خویشن را از

برخورداری چنین حق محروم کند نیز در خود

سرزنش است.

ایران مشارکت سیاسی، قلمداد می‌شود و حتی

یک اجتماعی و سخنرانی علمی و نظری می‌شود و تهاجم سیاسی قرار می‌گیرد. این بدان دلیل است

که تأمین طبیعی ترین حقوق انسانی در جامعه ما

است که تلاش یک سیاست می‌شود و بجز

سیاستی که در روندهای جاری کشور تنها

موضعی نظرهای گر دارد و عملاً خود را از حضور،

مداخله و تاثیر در روندهای سخنران و معاف

می‌شود. به همان میزان که محروم کردن هر کس

از چنین حق سزاوار ملامت است و محکوم

شناخته می‌شود، هر کس هم خویشن را از

برخورداری چنین حق محروم کند نیز در خود

سرزنش است.

ایران مشارکت سیاسی، قلمداد می‌شود و حتی

یک اجتماعی و سخنرانی علمی و نظری می‌شود و تهاجم سیاسی قرار می‌گیرد. این بدان دلیل است

که تأمین طبیعی ترین حقوق انسانی در جامعه ما

است که تلاش یک سیاست می‌شود و بجز

سیاستی که در روندهای جاری کشور تنها

موضعی نظرهای گر دارد و عملاً خود را از حضور،

مداخله و تاثیر در روندهای سخنران و معاف

می‌شود. به همان میزان که محروم کردن هر کس

از چنین حق سزاوار ملامت است و محکوم

شناخته می‌شود، هر کس هم خویشن را از

برخورداری چنین حق محروم کند نیز در خود

سرزنش است.

ایران مشارکت سیاسی، قلمداد می‌شود و حتی

یک اجتماعی و سخنرانی علمی و نظری می‌شود و تهاجم سیاسی قرار می‌گیرد. این بدان دلیل است

که تأمین طبیعی ترین حقوق انسانی در جامعه ما

است که تلاش یک سیاست می‌شود و بجز

سیاستی که در روندهای جاری کشور تنها

موضعی نظرهای گر دارد و عملاً خود را از حضور،

مداخله و تاثیر در روندهای سخنران و معاف

می‌شود. به همان میزان که محروم کردن هر کس

از چنین حق سزاوار ملامت است و محکوم

سادسی ترین و فوئری ترین و ظیفه راهبردی چچب دموکراتیک در سطح ملی و بین‌المللی است یاید در یک طرح ملی و اجتماعی تبلور یابد. در تدوین و اجرای طرح ملی به سیاستی نیاز داریم که ما را از سلسله مراتب کنونی تقسیم سایه‌ای بین‌المللی کار بیرون اورده، زیرا تعلیماتی‌های تولیدی در چنین سلسله مراتبی جنبه منطقه‌ای دنباله‌روانه دارد و در حقیقت ما را به پیمان کار سرمایه فرمانروا تبدیل می‌کند، یعنی می‌ستی که آن را سرمایه ابتدایی ptting aut نامید.

برای برنامه‌ریزی نوسازی اقتصاد توانستد
ملی به تشکیل جبهه مردمی و دموکراتیک
خدامیریالیستی، ضدکمپارادوری (ضد
نصرت‌گاری) و ضدانحصار نیاز داریم. چنین
جهه‌های مشارکت وسیع مردم را در تعیین
سنرونوشتشان تضمین می‌کند و ضامن اساسی
برای دموکراسی ملی و آزادی واقعی شهروندان
ست. بدون ایجاد چنین جبهه‌ای هرگز تناسب
بینو و نفع طبقه‌های زحمتکش و مردمی جامعه
غیرخواهد کرد. این جبهه باید نه تنها
خدمات‌های اقتصادی و اجتماعی مراحله‌ای
واقع‌گرایانه و راههای نیل به آن‌ها را تعیین کند،
بلکه باید ضرورت‌های به پرسش کشیدن
سلسله مراتب‌ها را در سیستم جهانی مشخص
کند. تکیه بر منفوم ترقی خواهانه ملت و
اسیونالیسم فارغ از هر نوع تاریک‌اندیشه
نومی، بنیادگرایی مذهبی و خاکپرستی که
سترائرهای سرمایه به آن دامن می‌زنند،
استخوان‌بندی ایدئولوژی مترقبه انشکیل می‌دهد.
دولت ملی استوار بر نیروهای سیاسی و
جتماعی توده‌ای و دموکراتیک عرصه را بر
غارانگران و استشارگران داخلی که پیمان‌کاران
و کمپارادورهای پیچ انحصار بین‌المللی هستند،
تنگ می‌کند. ناسیونالیسم ترقی خواهانه و سیله
موثری برای همکاری‌های منطقه‌ای کشورها و
ملت‌ها علیه انحصار هاست. در این صورت باید
در راه تشکیل منطقه‌های بزرگ همت ورزید که
بایارزه جدی و موثر علیه پیچ انحصار یادشده را
انسان سازد. البته این جا مساله عبارت از
مندل‌های منطقه‌ای کردن کاملاً متفاوت با
منطقه‌ای کردن مورد ستایش قدرت‌های
نرم‌مازو و است که به مثابه تسمه‌های گذار جهانی
شدن امیریالیستی عمل می‌کنند.

اگر در یک چشم انداز روش دگرگونی های عقیدت مرمدی در هر کشور توانم با پیوندهای دموکراتیک درون منطقه ای و فرامنطقه ای علیه بینج اتحادیار یاد شد شکل گیرید، می تواند در سیاست قیام آمریکای لاتین، افریقا، دنیای عرب، خاور نزدیک و میانه، جنوب شرقی آسیا در کنار کشور های قاره ای چین و هند و نیز در کنار روسیا (از ایالتیک تا ولاجی و سوئیک) بر پایه تجاه های اجتماعی توده ای و دموکراتیک چنان چه که پارچگی به وجود آورده که سرمایه جهانی را در اروپا و آمریکا و ادار به تطبیق خود با پیاز های این کشورها سازد و طرح دنیای چند سرکزی واقعی را که نوعی دیگر از جهانی شدن است، تحقق بخشد. بدینهی است که چگونگی «سازمانی و فنی» این تحول را هبدهی در رتباط با «بازار» های سرمایه و همچنین در رتباط با سیستم های پولی یا موقوفت های بخاری نیاز به بحث گسترده در خارج از این هشتاد و یکم

در واقع، مجموع این برنامه‌های راهبردی در میانه دموکراتیزه کردن فضای جهان چه در طبع جامعه‌های ملی و چه در سطح سازماندهی جهانی چنان توانی می‌افریند که می‌تواند در نک چشم‌انداز درازمدت روند گذار سراسرایداری جهانی به سویالیسم جهانی را به تنزله مرحله‌ای از این گذار به شر رساند.

چپ امرز به تحول‌های سویالیستی از این
نگاه بگیر.

منبع:
۱. سوپریلیتک جهانی شدن، سیر امین
۲. سوسالیسم برای فردا، تونی آندره آشی
۳. مانشیت حزب کمونیست، هارک و انگلش

قطع به جایگزینی جناحی از روحانیت به جای
جناحی دیگر تبدیل گردد، آن گاه مردم چگونه
خواهند اندیشید و به کدامین شیوه روی خواهند
ورود؟ مردمی که از احزاب و تشکل‌های
نیزیر حکومتی به دور نند، آیا سیمچان راهها و
وش‌های مسالمت‌جویانه را پیش خواهند برد؟
در برابر این سوال رسالتی بزرگ بر دوش
سازمان مأموران فدائیان خلق ایران
اکثریت (قرار دارد، کنگره آتی سازمان باید
ین معضل مهم و طرق دستیابی به فعالیت علی‌
رج‌بنیش پا خاسته کشورمان را مورد بررسی
عجلی قرار دهد.

خصلت‌نمایی فلسفه سیاسی چپ امروز

(۳)

سوسياليسم به مثابه خط راهنمای

ب۔ کیوان

ش می گذارد.

نکتهٔ اموزندۀ جالب در این تأمل همانا
ثابت بودن شکلواره رهایی پخش جامعه آینده
(کمونیسم) در اندیشه مارکس و جستجوی
وی و قدر شیوه‌های حل تضادها بنابر دیالکتیک
واقعیات و تحلیل وضعیت موجود است.
اندیشمندان پس از مارکس و انگلیس،
تفاوت‌های بنیادی میان شکلواره جامعه آینده و
شیوه سیال راه جستن به این آماج را در نیافتند و
هر دو راه ازرو و ثابت انگشتند. بنتظر می‌رسد
که بدین دولت‌گرایانه سوسیالیسم لین و دیگر
تئوری پردازان مارکسیستی از برداشت نخست
مارکس در ارتباط با حل تناقض‌های اجتماعی
در شرایط انقلابی پیش از کمون پاریس
سرچشممه می‌گیرد.

اکنون پس از فروپاشی سوسیالیسم
بوروکراتیک در اتحاد شوروی و اروپای
شرقی به تحریبه ثابت شده است که او لا برقراری
کامل «سوسیالیسم در یک کشور» به طور
جهشی در یک وضعیت انقلابی از راه کسب
قدرت ناممکن است و ثانیاً سوسیالیسم بدون
پیدایش مولفه‌های عینی و ذهنی آن در جامعه
بشری هرگز حقق یافته نیست.

در حقیقت سوسیالیسم روندی طولانی است
پیش‌فرض خانم مهدی و فرهنگی آن در
چارچوب جامعه سرمایه‌داری شکل می‌گیرد.
زیرا گنجاندن ناموجود در موجود در هیچ
صورتی بدون تغییر اساسی در موجود ممکن
نیست. در این صورت سوسیالیسم به مثاله خط
راه‌ها و جنبش واقعی عمل می‌کند و بدین
منظور به طرح عملی سیال، خودآگاه، فراگیر،
روشن و پیشی خلاق برای تدارک جامعه آینده
نیاز دارد. عامل فرهنگی در این تدارک نقش
دچ نخست ابقاء می‌کند.

از این قرار چپ نوادگیش سوسیالیسم را به عنوان خط راهنمای اساس فعالیت اجتماعی و داوری‌های خود پیرامون مقوله‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انتصاراتی قرار می‌دهد. این خط راهنمای یگانه و سیله تسايز چپ نوادگیش از دیگر چیزها و جریان‌های سیاسی است. در شرایطی که میهن ما ایران علی‌رغم پیشرفت تنسیی مناسبات سرمایه‌داری و تغییر اساسی بیافت جامعه و درهم تندیگی رابطه‌های مردم نهضو در غرقاب آداب و فرهنگ سیاسی دوران چادرنشینی غوطه‌ور است و با وجود پشتونه سوابقه درخشنان فرهنگی با آزادی و دموکراسی را قوی و جامعه مدرن مدنی فرستگ‌ها فاصله دارد، چپ نوادگیش به عنوان عامل نیرومند فرهنگی و اندیشه‌ساز باید به سهیم خود همه نیروهای فعال جامعه را در راه تدارک پیش‌فرضهای تحول دموکراتیک وبالندگی و گشایش اندیشه‌ها و اعتلای سطح آگاهی

نمودنی مردم پیشیست.
در هنگامه جهانی شدن کنونی سرمایه‌داری
که سرنوشت بشریت (به گفته سعیر امین) بر
ساس سلطه پسچ انصارا: ۱. انحصار
تکنولوژی های جدید، ۲. انحصار کنترل
فعالیت های مالی در مقابله جهان، ۳. انحصار
کنترل دسترسی به منابع طبیعی سیاره، ۴.
انحصار کنترل وسیله های ارتباطی و رسانه ها،
۵. انحصار سلاح های ویرانگر عمومی، رقم
خورد، چپ سویا لیست ایران برای حفظ
ستقلال کشور و مبارزه در راه ازادی و
جمهوری اسلامی و حقوق پسر و تامین عدالت
جتماعی واقعی بسود زحمتکشان وظیفه
خطیری در مقابله با این انحصارها بر عهده دارد.

دولت». بدین ترتیب دولت به عنوان رئیس فناوه موظف خواهد بود که «صنایع ملی» را اساس یک برنامه فراگیر گسترش دهد. این مازمان جدید اقتصادی برپایه ایجاد ارتش‌های صنعتی، تحقق می‌یابد. در درون ارتش‌ها، کار اجرایی است و به طور عقلانی و ترتیب می‌یابد.

ین طرح منسجم که می‌توان آن را برداشتی گرایانه، تصریک‌افرین، دولت‌گرا و دموکراتیک توصیف کرد، ناشی از تحلیل شناختی متناقض چنین انقلابی و پر ایک ممکن است در سال‌های ۱۸۴۸ - ۱۸۳۰ می‌باشد. در ر این برداشتی یک جانبه که برداشتی قدرتمندی و پژوهانه و در حال صیرورت بود، داشت دوم از سوی ایلیم قرار دارد. این داشت در جریان تحلیل کمون پاریس در ب «جنگ داخلی در فرانسه» مطرح گردید که یک سیستم اجتماعی ستایش می‌شود که در قدرت‌های اساسی در دست واحدهای اجتماعی طبیعی مرسوم به کمون‌ها باقی مانند. در این واحدهای خودمختار است که گوکومت تولیدکنندگان به وسیله خودشان» کنند.

برحسب این طرح، دیگر سیله‌های تولید به متن تعلق ندارد، بلکه این سیله‌ها و نتیجه‌های عمومی به همراه محلى واگذار شودند. مارکس در این طرح از «انجمن‌های روزنی» سخن به میان می‌آورد. مالکیت سیله‌های تولید در این انجمن‌ها به طور اعی و اشتراکی به تولیدکنندگان تعلق دارد. مطالعه «تصاحب‌کنندگان» آن نیست، بلکه عبارت از جلوگیری از شکل‌گیری قدرت انسان‌ساز دیگری چون دولت تمثیل و یا مکانیزم انتشار این در متن‌های مارکس در فاصله ۱۸۸۰ - ۱۸۸۵ در ارتباط با مطالعه سویاگیسم دو طرح دولت‌گران و کمونگران برخورده‌اند.

طرح نخست، حل تضادهای اجتماعی نظام معايذه‌داری را در چارچوب ایجاد مركزی می‌داند و عقلانی (يعنی دولت) جستجو می‌کند که مینین و اجرای برنامهای جمع‌گرای را بر عینده دارد. طرح دوم بر لغو دستگاه دیوان سالاری و جلوگیری از بازارسازی آن به شکل اثربرنگ دارد. در این طرح به جای دولت مركزگرای، کمونها و مرکزهای خودمدختار تولید سه اساس جامعه را تشکیل می‌دهند، مسئولین همی‌گیری می‌کنند. در کمونها و مرکزهای ایم زیر نظارت مردمی قرار دارند. بدین بیب مشروعيت نه در ذات دولت، بلکه در اینجا نیست: دولت کنندگان زونه است.

نقایصه این دو طرح مستخاد سیال بودن
مشکل مارکس را بر حسب سیال بودن وضعیت
معه و تناقض‌های رویته‌ده آن در فاصله
۱۸۳۰ - ۱۸۸۰ شان می‌دهد و این به
وجه نشانه پریشان فکری و سرگردانی این

کارگری بر سیله‌های تولید است. او این
مالکیت را «مالکیت اجتماعی» توصیف می‌کرد
نه هزارز با سوپریوریسم است. برخلاف او،
مارکس عقیده داشت که گرایش به حذف
مالکیت فردی خصوصی و سیله‌های تولید قبل از
رون خود شیوه تولید سرمایه‌داری پدیدار شد
او آن را «تملک اجتماعی» می‌بیند
ایرانی‌های جدید تولید تلقی نمی‌کردند در واقع
بن تملک اجتماعی با وجود نفی مالکیت
خصوصی، مالکیت دولت کارگری محسوب
نمی‌شد. دولت با جلوس سوپریوریسم ناپدید
گردید.

لینین تولید کالایی جامعه سوپریوریستی را رد
کند. اما در باره تقسیم و سیله‌های مصرف
یان افراد جامعه جدید از شکلواره مارکسی
انتقاد از برنامه گفت: «پیروی می‌کند؛ ولی با این
حال در این شکلواره عنصرهایی را وارد می‌کند
که مغایر با جنبش رهایی یخشن سوپریوریسم
مارکس است. از این رو، هنگام صحبت در باره
آن چه که مارکس «حقوق بورژوایی» در
خشتن فاز کمونیسم نماد، لینین «برابری کار
مزده» را برای شهروندانی که به کارگران دولت
بدیل می‌شوند، مورد توجه قرار می‌داد. در
اقع نین به جای درنظر گرفتن کار
سوپریوریستی به مشابه کار شریکانه، آن را
کارمزدگیری تصور می‌کند. این شکل کار که ویژه
برمایه‌داری است، از دید مارکس چیزی جز
بردگی مزدبرانه نیست. به عقیده
مارکس، وقتی نیروی کار کالا نباشد،
«بن‌های کار» به عنوان ابزار
توزيع و سیله‌های مصرف بین افراد
جامعه جدید عمل می‌کند که هیچ ساختی با
زدگی ندارد.

درودت برای اجرای «حقوق بورژوازی» **تمدداً** کرد. درین صورت دولت بنابر تعریف، یک بازمان سرکوبی و مستقل از جامعه است که با شمدون رهایی پخش جامعه حدید مغایرت اراده. از نظر مارکس خود جامعه عهده دار توزیع سیلهای مصرف از طریق «بنی های کار» شود. تصادفی نیست که او در «انتقاد از سیرنامه گستا» دولت را دلیل «وجود پرددگی» داند.

در بین این مقایسه فشوده، کوتاه می توان نفت که طرح سویالیستی نین پیشتر به سویالیسم لاسال و کائوتسکی نزدیک است. طرح سویالیستی رهایی پخش مارکس که عبارت است از «اتحاد افراد ازاد که گاهانه عمل می کنند و اربابان جنبش خاص جماعتی شان هستند».

البته، ناگفته نماند که مارکس در زمینه طرح سویالیسم دو برداشت متفاوت ارائه کرده است؛ یکی در پایان سال ۱۸۴۲ و آن هنگامی است که به جنبش انقلابی می پیوندد. در آن وقت بورژوازی جوان در محیط دانشگاهی لیلیه نظام مستبد حاکمان طفیلان کرده بودند و الاقه داشتند که برای جنبش اجتماعی تصوری ورد نیاز را فراهم اورند. مارکس تحت تاثیر این نیاز، طرح نخستین خود را در زمینه سویالیسم ارائه کرد؛ این طرح در پایان اینیست حزب کوئینست در چند سطر بیان شده

«تمركز همه وسیله‌های تولید در دست دولت»، تمركز اعتبار در یک «بانک ملی» به سوری که سرمایه بانک «به دولت که از حق حصاری پرخوردار است، تعلق خواهد داشت»

توضیح: قسمت های اول و دوم این مقاله در شماره های ۲۲۰ و ۲۲۱ «کار» به چاپ رسیده است. سویالیسم در فلسفه سیاسی چه امرور چه جایگاهی دارد؟ آیا پس از فروپاشی «سویالیسم دولتی» در اتحاد شوروی و اروپای شرقی همچنان می توان از سویالیسم سخن گفت. آیا این طرح سیاسی - اجتماعی به عنوان یک طرح خیال پرستانه باید به فهرست آرزو های ناممکن بشیریت سپرده شود؟

این، پاپ به سین سوئی پروردگار
معاصر لیرالیسم نو در باره «بایان تاریخ» و
ابدیت سرمایه‌داری دل بسیارم، می‌توان به
چنان تیجه‌گیری‌های رسد، اما اگر پذیرم که
هر نوع تاریخ‌گرگی و تقدیرگرایی و دترمنیسم
مردود است، آن گاه گشاشی برای تأمل در
زمینه فرازیرت از سرمایه‌داری و امکان زدودن
«فاجعه» آن از «تقدیر» پشتیت بوجود می‌آید
که دیگر نمی‌توان آن را در شمار
«آرزو باوری» و «خیال پردازی» دانست.

جنش سوسیالیست همزاد با جامعه سرمایه‌داری است. بدون این جنش دورنمایی برای رهایی از آفت‌های سرمایه‌داری وجود ندارد. اما این جنش بنا به بغرنجی‌های زندگی و منافع طبقاتی و گروهی، هرگز یک دست نبوده است و مانند هر پدیده دیگر اجتماعی از یک منظر نگریسته نمی‌شود و ناگزیر روایت‌های متناقضی دارد. با این همه، آن چه بین همه این روایت‌های متناقض مشترک است، اصل رهایی، تبدیل و تغییر نظام سرمایه‌داری است. پس از انتشار مانیفست حزب کمونیست مارکس و انگلسل در فوریه ۱۹۴۸، گفتان جدیدی پیرامون سوسیالیسم به وجود آمد. این گفتان در مژبنی با گفتان پیش از مانیفست در مفهوم سوسیالیسم تغییر اساسی داد و سوسیالیسم پیش از مانیفست را «تخیلی» نامید. گفتان مانیفست پیرامون سوسیالیسم الهام‌بخش جنش کارگری در مبارزه با ستم و استثمار سرمایه‌داری گردید. پیش از آن نظریه‌های سوسیالیستی از چنین ظرفیتی برخوردار نبودند. درآمیختن نظریه سوسیالیستی مارکس و انگلسل با جنش کارگری در تبدیل و تغییر رابطه کار و سرمایه

پس از مارکس و انگلیس سویالیسم انترنایونال دوم، که محصول جنبش کارگری اروپا و مارکیسم قرن ۱۹ بود، به حیات خود ادامه داد و در ۱۹۱۴ در نتیجه سازش سویالیسم دموکراتی با امپریالیسم و دست شستن از هدف‌های رادیکال و همگانی اش در گرداب ناکامی فرو افتاد. آنگاه سویالیسم انترنایونال سوم با اعتراف به شکست سلف خود به وجود آمد. این سویالیسم که با پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه به قدرت دولتی دست یافت، به علت عدم درک مساله گذار درازمدت با شکست روبرو گردید. سویالیسم دولتی با پشت کردن به اندیشه دموکراتی رادیکال برپایه مشارکت فعال توده‌های مردم در قدرت به «سرمایه‌داری بدون سرمایه‌داران» تغییر شکل یافت. جامعه مدنی در عرصه سیاست و اقتصاد موقوف گردید، عقلانیت اقتصادی جانشین برناوری ریزی دموکراتیک شد. چنین پرداشت نادرستی از سویالیسم که ناشی از دستنگاه فکری مارکیسم - لینیسم بود، دولت‌های موسوم به سویالیستی را باین بست روپرتو کرد و سرانجام در سال ۱۹۸۹ باعث متلاشی شدن این

دوسنگ فردید.
فروپاشی سویسالیسم دولتی، بحث پیرامون
عمل و انگیزه‌های آن و آینده سویسالیسم را
پیش آورده است. پرسش این است: آیا نقص در
تئوری بود یا در پرایکن. برای پاسخ به این
پرسش نخست لازم است به تئوری پیردازیم.
لینین به عنوان پیمانگذار دولت شوروی،
سویسالیسم و کمونیسم را دو چیز جدا
می‌انگاشت. از نظر او سویسالیسم بدطور
اساسی در ارتباط با مالکیت درک می‌گردد. به

حُسْنٌ عَلَيْكُمْ ...

802 J. H. B.

مان حرف پنجه‌انی دل مردم را می‌زنند. در
قابل، اصلاح طلبان دولتی نه به مردم، بلکه به
صلاح خامنه‌ای و انحصارگران دل خوش
برداشتند.

اینک چشم‌ها همه به دنبال انتخابات مجلس ششم است، انتخاباتی که آینده حركت مسلح طلبی و سالمت‌جویانه بیشتر به نتیجه نمی‌رسیگی دارد. قرائت و شوادن‌شنان دهنده آن است که اکثر آراء مردم به نفع طرفداران آقای ائمه و جناح دوم خرداد به صندوق‌های رای پیخته خواهد شد. اما در این میان محافظه‌کاران تدبیر، دست زدواند که نتیجه را بر عکس

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تقدیم اشتراک □ شماره اشتراک:

عدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

Name: نام:

Address: آدرس:

فرم راهنمایی این فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) پست کنید!

به آدرس: پست کنید!

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن: 0049 - 221 - 9322136

<http://www.fadai.org>

fadai.aksarlyef@magnet.at

معادل ۴ مارک آلمان

پیغام اشتراک: اروپا: شش ماهه ۵۵ مارک:

یک ساله ۱۱۵ مارک: شش ماهه ۶۲ مارک:

یک ساله ۲۲۰ مارک: سایر کشورها:

Verleger: I.G.e.v.

I.G.e.v. آدرس: 22 44 20 32

Postfach 260268 کد پستی: 37 05 01 98

50515 Köln نام پاتک: Stadtsparkasse Köln

Germany

چهارشنبه ۱۳۷۸ - ۲۲ دسامبر ۱۹۹۹ دوره سوم - شماره ۲۲۳

KAR. No. 223 Wednesday 22. Dec. 1999

G 21170 D

*گلری اولیان مرکزی سازمان فناوری خلق ایران (اکتبر)

دو هفته یک پار روزهای چهارشنبه منتشر می شود

انجامید. این بحران به شدت به اعتقاد اروپایی ها به یک دولت فرامیانی لطمہ وارد آورد. معلوم نیست رومانو پروردی رئیس جدید کمیسیون اروپا بتواند بر این بحران اعتقاد غله کند.

در حالی که اقتصاد

سرمایه داری در اروپای غربی و

آمریکایی شما هنوز ظاهر نظام

فراهم کننده حداقل زندگی برای

اکثربت مردم را حفظ کرده است،

در سایر مناطق جهان چنین

نیست. در کشورهای سابقاً

سویا لیستی، بی عدالتی بیداد

می کنند. مردم روسیه که تا همین

ده سال پیش، کشورشان

ابرقدرت بود، با گرسنگی

و فقر دست و پنجه نرم

می کنند. و این در حالی است که

اقطبی محروم، در همین ده سال

صدھا میلیارد دلار ثروت

اندوخته اند.

در سال ۱۹۹۹ فاش شد که

تقریباً همه اعضا خانواده

یلتسین رئیس جمهور روسیه

ثروت های افسانه ای گرد

آورده اند.

تقاضا را در پرایر عرضه تقویت کند، در حال عقب نشینی اند. اروپایی و آمریکایی در پارزترین شاهه این روند، تغییر شمالي در سال ۱۹۹۹ نیز رکوردها را شکست. ارزش سهام مهمن ترین شرکت های بیسما رکار به بعد مهد «دولت رفاد» محسوب شد، اسکار اکنون، در پایان سال ۱۹۹۹، بهای مجموعه سهام جنال الکترونیک که سرمایه ناگزیر شد کنار، گیری گران قیمت ترین شرکت جهان کند. لافوتن، مدافعان اعمال سیاست های مالی به نفع مژدگران و بازار شکن و فقر دست و پنجه نرم از عدالتی بیداد می کنند. مردم روسیه که تا همین اقلیتی محروم، در همین ده سال صدھا میلیارد دلار ثروت ایجاد کردند. ایکاران از طبق افزایش مالیات برای بخش ثروتند جامعه بود. وی هنگامی که دریافت این سیاست مورد حمایت گردد ایران در سال های اخیر که بحران شرودر صدراعظم

جهانی برای بی عدالتی اقتصاد سرمایه داری در کند، در حال عقب نشینی اند. اروپایی و آمریکایی در دمکرات آلمان در سال ۱۹۹۹ نیز رکوردها را شکست. ارزش سهام مهمن ترین شرکت های بیسما رکار به بعد مهد «دولت رفاد» محسوب شد، اسکار اکنون، در پایان سال ۱۹۹۹، بهای مجموعه سهام جنال الکترونیک که سرمایه ناگزیر شد کنار، گیری گران قیمت ترین شرکت جهان است، نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار است. مایکروسافت، دارد میزبان ایکاری ایکاران از طبق افزایش مالیات برای بخش ثروتند جامعه بود. وی هنگامی که دریافت این سیاست مورد حمایت گردد ایران در سال های اخیر که بحران



آرامش به خود نمیدهد است.

معلوم نیست این چرخه سرکوب و انتقام، کی متوقف خواهد شد.

پیرامون ایران، بحران پاکستان

نیز افزوود شد. دولت نواز شریف

که در ماجراجویی کشمیر قافیه را

پیش به اشغال ارش آنسوونزی

شد عوامل مسلح خود را از شمال

هند عقب بکشید، به خاطر این

ارش دادن و توان این

«بی لیاقت» مغضوب نظام ای

شد و پرویز مشرف فرمانده

ارش بر علیه آن کودتا کرد.

جان مردم تمور شریف پیروند

دها هزار تن دیگر از این مردم

قربانی سرکوب شدند. عاقبت

تحت فشار افکار عمومی در

بو تو روش بالای دار نزد، همین

پاکستان بس که بفهمند حاکمان

وقعی در این کشور، زیرا ها

تحت فرماندهی استرالیایی ها

سپرد. این تحول با تغییر دولت

در خود آنسوونزی خواهد شد. هر

جنده علت توطنه مشترک

ارش و اسلام گرایان، سوکارنو

دختر های معتقد تر برای پایان

استقلال طلبانه آنسوونزی

افرادی به جایی نرسید.

اما این کشور با برکاری

و عربستان و افزایش بهای نفت

پیشین از ریاست جمهوری،

گامی به سوی دمکراسی

برداشت.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در استخبارات انجامید. تلاش

نیروهای معتقد دست برای

صرف کشتن روشن است:

آرامش به خود نمیدهد است.

در سال ۱۹۹۹ بر بحران های

پیرامون ایران، بحران پاکستان

نیز افزوود شد. دولت نواز شریف

که در ماجراجویی کشمیر قافیه را

پیش به اشغال ارش آنسوونزی

شد عوامل مسلح خود را از شمال

هند عقب بکشید، به خاطر این

ارش دادن و توان این

«بی لیاقت» مغضوب نظام ای

شد و پرویز مشرف فرمانده

ارش بر علیه آن کودتا کرد.

جان مردم تمور شریف پیروند

دها هزار تن دیگر از این مردم

قربانی سرکوب شدند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در خود آنسوونزی خواهد شد.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در خود آنسوونزی خواهد شد.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در خود آنسوونزی خواهد شد.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در خود آنسوونزی خواهد شد.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در خود آنسوونزی خواهد شد.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در خود آنسوونزی خواهد شد.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در خود آنسوونزی خواهد شد.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در خود آنسوونزی خواهد شد.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در خود آنسوونزی خواهد شد.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک

در خود آنسوونزی خواهد شد.

شاید این پیروزی هند در

مالیات ایجاد کردند. هر

جنده علت توطنه مشترک